

رساله‌های تذکرة البنیان و تذکرة الابنیه راهی به سوی ذهنیت معمار سنان درباره معماری^۱

مهدی سلطانی^۲

هادی ندیمی^۳

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

دریافت: ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۷
پذیرش: ۲۸ مهر ۱۳۹۷

کلیدواژگان: معمار سنان، تذکرة البنیان، تذکرة الابنیه، ذهنیت معماری، معماری عثمانی.

چکیده

برای فهم بهتر معماری گذشته باید ذهنیت رایج معمارانه زمان مورد مطالعه را بیشتر شناخت. علاوه بر خود آثار، یکی از راه‌های شناخت این ذهنیت متون مکتوب مرتبط با معماری است. با این حال در میان متون تاریخی جهان اسلام در کمتر متنی به طور صریح و مستقیم به معماری پرداخته شده است. تذکرة البنیان و تذکرة الابنیه دو متن از این دست هستند که از دوران عثمانی به دستمان رسیده است و حاوی خاطرات زندگی نامه‌ای و حرفه‌ای سنان، معمار بزرگ جهان اسلام، است. در این میان می‌توان پرسید که چگونه و به چه اندازه می‌شود، از میان سطور این متون و دیگر متون مرتبط آن دوران، ابعاد و وجوه مختلف ذهنیت معمار سنان را فهمید؟ قالب و چارچوب ذهنیت معماری همانند او از چه عناصر، مفاهیم، و افرادی تشکیل شده بود و هر کدام از آن‌ها چه شأن و جایگاهی داشته‌اند؟ در مقاله پیش رو تلاش می‌شود که با رجوع به این دو متن و بهره‌مندی از دیگر متون مهم مرتبط آن دوران چون رساله معماریه و تحفة المعمارین راهی به سوی فهم ذهنیت معمار سنان گشوده و گوشه‌هایی از آن برای محقق امروزی معماری اسلامی شناسانده شود.

متون تذکره‌ها برای معمار سنان در حکم مناقب‌نامه‌ای بوده است که به خواست خود وی و توسط شخص معتمد او نوشته شده است تا نام نیکی از او به جای گذاشته و ابعاد زندگی و حرفه‌ای او را به آیندگان و شاگردان و مریدانش شناسانده شود. به طور کلی در ذهنیت معمار سنان دو دسته از افراد، که می‌توان آن‌ها را دسته پیرهای پیشه و حامیان معنوی و دسته حامیان و بنیان آثار نامید، جایگاه و شأن خاصی داشته‌اند. ابعاد دیگری از ذهنیت معمارباشی و در این مورد سنان در نظام عثمانی بر اساس مفاهیمی چون هدیه و کعبه و عمل بر اساس قدیم و... شکل می‌گرفت. ذهنیت سنان ابعاد معنوی بارزی داشت. آرمان و مهم‌ترین هدف او از پیشه‌اش کسب دعای خیر و رستگاری دنیا و آخرت بود. او به رقابت با گذشته و کسب افتخار برای جهان اسلام امیدوار و علاقه‌مند بود.

مقدمه

آثار معماری باقی‌مانده از دوره‌های مختلف تاریخی از مهم‌ترین منابع و شواهد در دسترس محقق معماری اسلامی برای شناخت و فهم این معماری هستند. با این حال در مسیر مطالعه معماری از طریق آثار آن، مخاطراتی وجود دارد. یکی از جدی‌ترین انحراف‌ها در مسیر

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری نویسنده اول است، با عنوان تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران، که به راهنمایی نگارنده دوم و دکتر مهرداد قیومی بیدهندی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی در حال انجام است.
۲. نویسنده مسئول، دانش‌جوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی ma_soltani@sbu.ac.ir
3. h_nadimi@sbu.ac.ir



پرسش‌های تحقیق

۱. از مطالعهٔ متنی که به درخواست سنان و توسط نویسندهٔ منتخب و معتمد او نوشته شده چه ابعاد و وجوهی از ذهنیات معماری سنان آشکار می‌شود؟ نوشتن نوشته‌ای با منطق مناقب‌نامه برای یک معمار به چه معنایی است و از چگونه ذهنیتی حاصل شده است؟

۲. در چارچوب رسمی دربار عثمانی، موقعیت‌های دیوانی که مقام‌های معماران و یا حامیان و بانیان آن‌ها بوده، چه معنا و مفهومی داشته است و آیا می‌توان قالب ذهنیتی که ذهنیت معمار به آن تعلق داشته است را از شرح ارتباط آن‌ها با این افراد و مقامات درک کرد؟

۳. آمدن نام و عناوین پیامبرانی که پیرهای حرف مختلف مرتبط با معماری بودند، خلفای راشدین، صحابه‌ها، و یا دیگر اولیا و شیوخ در یک رسالهٔ معماری در بستر ذهنیت آن دوران به چه معنایی است؟

۴. توجه به مفاهیمی، مانند «همت معنوی»، «هدیه»، «خدمت به کعبه»، «قدیم و عمل بر اساس قدیم» در یک متن معماری متعلق به قرن ۱۶ به فهم دنیای ذهنی معمار آن زمان، از درون خود آن، چه کمکی می‌رساند؟

۵. رابطهٔ ذهنیت معمار با معنویات رایج در متون تذکره‌ها چگونه انعکاس یافته است و به چه نتایجی منجر می‌گردد؟ جای گرفتن بعضی از آیات و احادیث در تذکره‌ی یک معمار در قرن ۱۶ چه معنایی در ذهنیت آن دوره و ذهنیت خود معمار دارد؟

تحقیق در معماری اسلامی، تلاش برای فهم و تفسیر این معماری با نگاه مدرن و با بی‌توجهی به تفاوت‌های بنیادین معماری مدرن و معماری اسلامی است. یکی از این تفاوت‌های مهم، اختلاف در ذهنیت و نگرش پشت طراحی و ساخت آثار معماری است. آشکار کردن ذهنیت پشت آثار معماری اسلامی و تفاوت‌های آن با نگاه امروزی خود یکی از موضوعات شناخت و تحقیق در معماری اسلامی به‌شمار می‌آید. بهره‌مندی از متون و اسناد مکتوب دست اول از تدابیری است که، به همراه رجوع به خود آثار معماری، می‌تواند محقق و مورخ معماری اسلامی را در روایت و تفسیر صحیح‌تر یاری رساند.

متونی که هم‌زمان با آفرینش آثار معماری اسلامی و در همان عالم ذهنی شکل‌گیری آثار نگاشته شده‌اند، می‌توانند گوشه‌ای از نگرش و ذهنیت معاصر اثر مورد بررسی را برای محقق آشکار کنند. علاوه بر این، موضوع مطالعهٔ معماری اسلامی تنها آثار معماری نیست. ذهنیت، نگرش، اندیشه، ذوق، سلیقه، و پسند فردی و جمعی نسبت به معماری هم بسیار مهم و در حیطهٔ موضوعی مطالعات معماری اسلامی مورد توجه هستند. همچنین یکی از راه‌های اصلی پی بردن و فهم و درک چنین موضوعاتی مراجعه به متون مکتوب است، با این حال نظر و عمل معماری اسلامی در بیشتر سرزمین‌ها، نظیر ایران، مبتنی بر فرهنگ شفاهی است و بر این اساس متون بسیار نادری از گذشته به جای مانده است که در آن‌ها به طور مستقیم به معماری و اصول نظری آن و یا موضوعاتی چون افکار و اندیشه و ذهنیت معماران اسلامی پرداخته‌اند.

در بستر معماری اسلامی و از قرون دهم و یازدهم هجری، دو کتاب مهم دربارهٔ معماران برجستهٔ عثمانی باقی مانده است. یکی از آنها رسالهٔ معماریه^۴ است که در آن جعفر افندی در سال ۱۰۲۳ق/ ۱۶۱۴م به شرح زندگی یکی از معماران ممالک عثمانی به نام محمدآقا به زبان ترکی و با الفبای عربی پرداخته و در سال ۱۹۸۴ هاورد کرین^۵ آن را از ترکی به انگلیسی و در سال ۱۳۷۵ مهرداد قیومی آن را از انگلیسی به فارسی برگردانده است. متون مهم دیگر دو رسالهٔ تذکرهٔ البیان و تذکرهٔ البنیه^۶ است که معمولاً در قالب یک مجلد نشر یافته است. این دو رساله از زبان معمار بزرگ جهان اسلام، معمار سنان، و به قلم دوست همراه او ساعی مصطفی چلبی نوشته شده است؛ این رسالات درواقع خاطرات معمار سنان هستند. در این مقاله کوشش می‌شود، با دقت در عبارات و محتوای آن، بخشی از ذهنیت و نگرش سنان نسبت به

۴. نک: جعفر افندی، رسالهٔ معماریه.

5. Howard Krein

۶. این رسالات در قالب یک جلد کتاب توسط مؤلف مقاله از ترکی استانبولی به فارسی ترجمه شده است و به‌تازگی منتشر شده است (ساعی مصطفی چلبی، تذکرهٔ البیان و تذکرهٔ الابنیه).



۷. نام اصلی او عبدالکریم بن علاءالدین علی آقا و از ترکان آذربایجان است و از این رو با نام علی عجم شناخته شده است. بعد از تاریخ ۹۴۴ق / ۱۵۳۹م گذشته است. براساس گفته‌های تذکره‌البنیان مرگ معمار علی عجم و ایازباشا نزدیک به هم است. وزیر شدن لطفی‌باشا هم بلافاصله بعد از مرگ ایازباشا است. بر این اساس که مقام معمارباشی نمی‌تواند چندین ماه بی‌صاحب باشد، آغاز تصدی مقام معمارباشی معمار سنان باید تابستان ۱۵۳۹ بوده باشد. معمار عجم در شهربینی و در برابر جامعی که خود ساخته است و اکنون با عنوانی چون جامع معمار و جامع معمار عجم مشهور است، در گوری دفن شده است. معمار سنان در سال‌های اولیه اسلوب علی عجم را ادامه و گسترش داد.

۸. ساعی مصطفی چلبی، همان، ص ۲۹-۳۰.

۹. نسخه‌های متعددی از این رساله در موزه‌ها و کتابخانه‌های ترکیه نگهداری می‌شود. با این حال حیاتی دوولی در سال ۲۰۰۳ نسخه خطی این کتاب را تصحیح کرد و توسط انتشارات K Kitapligi در ترکیه نشر داد. همان‌طور که گفته شد، این رساله‌ها در قالب یک جلد از سوی مؤلف مقاله به فارسی ترجمه گردیده و منتشر شده است.

۱۰. در دوره اسلامی تذکره‌های بسیاری تألیف شده است که در آن‌ها به احوال اقدار گوناگون جوامع از پادشاهان و وزیران گرفته تا شاعران و ادیبان پرداخته‌اند، اما هیچ ←

عثمانی را به اوج شکوه خود رساند و بناهای بسیاری پدید آورد که بیشتر آن‌ها اکنون در استانبول هستند. او معمار ۸۴ مسجد جامع، ۵۲ مسجد، ۵۷ مدرسه، ۷ دارالقرآن، ۲۲ مقبره، ۱۷ عمارت، ۳ دارالشفاء، ۷ سد بر روی مسیرهای آب، ۸ پل، ۲۰ کاروان‌سرا، ۳۵ کوشک و سرای، ۶ انبار و مخزن، ۴۸ حمام، و در مجموع بیش از ۳۵۰ بنا بود.^۸ چهره تاریخی استانبول و بعضی دیگر از شهرهای ترکیه کنونی به‌شدت تحت تأثیر آثار معمار سنان است و او بزرگ‌ترین معمار تاریخ ترکیه شناخته شده است.

ب. در معرفی رساله‌های تذکره‌البنیان و تذکره‌الانبیه: دو رساله تذکره‌البنیان و تذکره‌الانبیه^۹ از معدود مکتوبات درباره معمارى در جهان اسلام پیش از دوره جدید و از این رو برای شناخت تاریخ معمارى جهان اسلام بالارزش هستند. درواقع مسلمانان اصولاً مردمانی اهل نوشتن بودند و مکتوبات بسیاری پدید آورده‌اند. با این حال در زمینه معمارى جز چند متن نادر، آن هم به زبان ترکی عثمانی، کتاب دیگری به دست ما نرسیده است^{۱۰} و بیشتر این متون هم در خصوص زندگی و آثار معمار سنان هستند. اولین این منابع در آرشیو تویقاپی‌سرای نگهداری می‌شود، که هیچ عنوانی ندارد. برای اولین بار ملول مریچ آن را با عنوان رساله بی‌نام^{۱۱} منتشر کرد. متن با شرح حال مختصری از گذشته خود سنان و فهرست کتابی که در نظر داشت بنویسد، آغاز می‌شود. کتاب از ۱۱ فصل تشکیل شده است. بعد از این فهرست، جای خالی کوچکی هست و بعد از آن اسامی حمام‌های مربوط به فصل ۱۱ کتاب بیان شده است. این متن اولین حسب‌الحالی است که سنان قصد نوشتن آن را داشته ولی درنهایت نیز ناقص مانده است^{۱۲}. دومین متن، که آن هم در آرشیو تویقاپی‌سرای حفظ می‌شود، رساله المعماریه نام دارد. در این رساله، شرح حال کوتاهی، هرچند مفصل‌تر از رساله بی‌نام، از زندگی خود سنان بیان می‌شود و باز فهرست بناها در ۱۱ فصل بیان شده است. اما جای آن‌ها خالی گذاشته شده است. این منبع هم یک حسب‌الحال ناقص به قلم سنان پذیرفته شده

مفاهیم مرتبط با معمارى، پیشه معمارى، و آثار و دیگر وجوه مهم معمارى از جمله نحوه ارتباط با بانی و همکاران و همراهان معمار آشکار شود.

این پژوهش از چهار بخش اصلی شامل پیشینه و روش تحقیق، داشته‌ها و دانسته‌های پژوهش و چارچوب تحلیلی، یافته‌ها و بحث، و بخش نتایج تشکیل شده است. به نظر می‌رسد پرداختن به جایگاه معمار سنان و موقعیت او در معمارى اسلامی و همچنین معرفی مختصر رسالات تذکره‌البنیان و تذکره‌الانبیه قبل از بحث اصلی مقاله ضروری است:

الف. مختصری در معرفی معمار سنان: معمار سنان در سال ۸۹۵ق/۱۴۸۹م در قیصریه و در روستای آغیرناس به دنیا آمد و در سال ۹۹۷ق/۱۵۸۸م بعد از حدود صد سال عمر درگذشت. وی در ۲۲سالگی، در زمان سلطنت سلطان سلیم اول در کسوت سرباز به استانبول آمد و بعدها آموزش‌دهنده سربازان جوان شد و همچنین در بعضی از کارهای ساختمانی وظایفی را بر عهده گرفت و فرصت کار با معماران مهم آن روزگار را یافت. سنان در جنگ چالدران در سال ۹۲۰ق/۱۵۱۴م و در سفر سلطان سلیمان به مصر حضور داشت. همچنین در سال‌های ۹۲۸ق/۱۵۲۱م همراه اردوی ارتش به بلگراد سفر کرد و نیز به همراه سپاه عثمانی راهی شهرهای دیگری چون وین، تبریز، و سرزمین‌هایی چون آلمان و عراق شد. او در سفر آخر به بغداد، ساخت سه کشتی برای حرکت بر دریاچه وان را با موفقیت به پایان رساند و در سفر مولداوی، سنان با ساختن پلی بر روی رودی توجه‌ها را به خود جلب کرد. بعد از آنکه علی عجم^۷، سرمعماران (معمارباشی) آن زمان، درگذشت، سنان به جای وی به سمت معمارباشی قصر رسید. او در دوره طلایی عثمانیان می‌زیست و در زمان سه پادشاه بزرگ دوره، سلطان سلیمان قانونی، سلطان سلیم دوم، و سلطان مراد سوم، معمارباشی بود و بناهای متعددی را طراحی کرد و ساخت که بیانگر قدرت و شکوه امپراتوری عثمانی بودند. درواقع او بود که معمارى

است. سومین متن، *تحفة المعمارين* نام دارد. با دو متن دیگر در یک جا (آرشیو موزه تویقایی سرای) مجلد شده است. از نظر ویژگی‌های نوشتاری، مانند دو متن قبلی است و درواقع این متن گسترش یافته *رساله المعماریه* است. بخش آغازین متن با *رساله المعماریه* یکی است. بعد از آن بخش فهرست قرار دارد که محتوای اثر را نشان می‌دهد و بعد از آن اسامی بناهایی آمده که براساس این فهرست مرتب شده‌اند.^{۱۳}

علاوه بر این‌ها، دو اثر دیگر، *تذکره‌البنیان* و *تذکره‌الابنیه*، زندگی و آثار معمار سنان را شرح می‌دهد. هر دوی این آثار با متون قبلی متفاوتند، چرا که توسط ساعی چلبی نوشته شده‌اند. متن این دو تذکره از نظر ساختاری تفاوت‌هایی با هم دارند. *تذکره‌الابنیه* با الگوگیری از *تحفة المعمارين*، که شکل تمام‌شده متون قبلی محسوب می‌شود، نوشته شده است. در *تذکره‌الابنیه* هم، پس از فتح بابی کوتاه، عنوان بناهایی که معمار سنان ساخته است، در ۱۳ بخش فهرست شده است. در این متن، بخش منظوم که در بعضی از نسخ، پیش از بخش نثر قرار دارد، شرح حال معمار سنان است که از قلم چلبی تراویده است. آخرین متن مرتبط با سنان، *تذکره‌البنیان* نام دارد. این متن به دست ساعی چلبی و از زبان معمار سنان به نگارش درآمده است. این اثر در اصل به نثر نوشته شده، اما گاهی قطعاتی منظوم نیز در بین مطالب جای گرفته است. مقدمه آن، از لحاظ فهم مطلب، تا حدود زیادی شبیه مقدمه‌ای است که در *تذکره‌الابنیه* آمده است. به‌علاوه، بعضی از ابیات در بعضی از نسخ *تذکره‌الابنیه* در *تذکره‌البنیان* هم تکرار شده است. تفاوت بنیادین این دو متن در آن است که در *تذکره‌البنیان* فهرست بناها نیست، اما زمان ساخت و ویژگی بعضی از آن‌ها با جزئیاتی شرح داده شده است. *تذکره‌البنیان* و *تذکره‌الابنیه* شرح حال معمار سنان هستند و بر اساس متون قبلی، به قلم ساعی چلبی نگاشته شده‌اند؛ که می‌توان آن‌ها را دو نسخه مکمل یکدیگر ارزیابی کرد. این دو متن در حدود قرن هجدهم یکی شده و متنی واحد را پدید آورده‌اند. در میان نوشته‌های مرتبط با سنان،

تذکره‌البنیان اثری است که بیشترین تماس با اندیشه‌های وی را برای ما فراهم می‌آورد؛ چرا که از زبان خود او و با کمک دوست نزدیکش ساعی چلبی، که نقاش و شاعر بود، نوشته شده است و نسبت به سایر متون که برخی تنها فهرست آثار هستند، جزئیات و اطلاعات بسیار بیشتری در آن‌ها دیده می‌شود و حکایت‌ها و نوشته‌های زندگی‌نامه‌ای این متن، با بررسی موشکافانه، بخشی از ذهنیت و افکار و اندیشه‌های سنان را روشن می‌کند.

۱. شیوه تحقیق و رویکرد پژوهش

۱.۱. نقطه آغاز

در این پژوهش تلاش می‌شود که با بهره‌گیری از متون *تذکره‌البنیان* و *تذکره‌الابنیه*، با عنوان منابع اصلی، که روایتی از زندگی یک معمار بزرگ دوران عثمانی است، و با کمک گرفتن از متون دیگر، قرائتی از ذهنیت معماری یک معمار در آن دوران عرضه شود. متن *رساله معماریه* هم، که متنی مشابه و نزدیک به متن تذکره و قرینه‌ای مقابل آن است، در این تحقیق اهمیت دارد. به این ترتیب با شروع پژوهش بر پایه متن رسالات، شناخت چارچوب ذهنی معمار سنان هدف اصلی تحقیق شده است و بر این اساس شبکه‌ای از روابط به مرکزیت ذهنیت معمار ترسیم شده که متون تاریخی، افراد، مفاهیم، و آثار و بناهای معماری متعددی در آن جای گرفته است. تلاش برای دست یافتن به هدف ذکرشده، به سؤالات متعدد جدیدی در چارچوب مرزها و مختصات تحقیق منجر گردیده است. از طریق استدلال منطقی و منابع موجود سعی شده است که به برخی از این پرسش‌ها پاسخ داده شود. با این حال پاسخ به بسیاری از آن‌ها در بضاعت این پژوهش نیست و پاسخ به آن‌ها نیازمند تحقیقات دیگری است.

۱.۲. شرح مسئله

آیا برای تحلیل کردن، فهمیدن، و فهماندن ذهنیت معماری عثمانی و در مورد خاص این پژوهش، ذهنیت یک معمار بزرگ،

→ تذکره‌ای به زبان فارسی یافت نشده است که در آن ذکری از معمار، از آن حیث که معمار است، رفته باشد (برای مطالعه حدود آنچه که می‌توان از متون فارسی درباره معماری توقع داشت. نک: ایرج افشار، «مقدماتی درباره تاریخ معماری ایران بر اساس متون فارسی»). به طور مثال در تاریخ بیهقی اشاره‌ای به مسعود غزنوی که مهندسی چیره‌دست بوده، شده است؛ اما این به خاطر معماری‌اش نبود؛ بلکه به جهت پادشاهی او بود (نک: ابوالفضل بیهقی، تاریخ بیهقی، ص ۱۸۱) و یا درباره معمار بزرگی چون علی‌اکبر اصفهانی، معمار مسجد جامع عباسی در متون دوره صفوی، که هم‌عصر پادشاهی عثمانی در سرزمین ترکیه کنونی بوده است، می‌توان تنها چند سطر یافت آن هم به آن دلیل که او چند بیت شعر سروده است (نک: نصرآبادی، *تذکره نصرآبادی*).

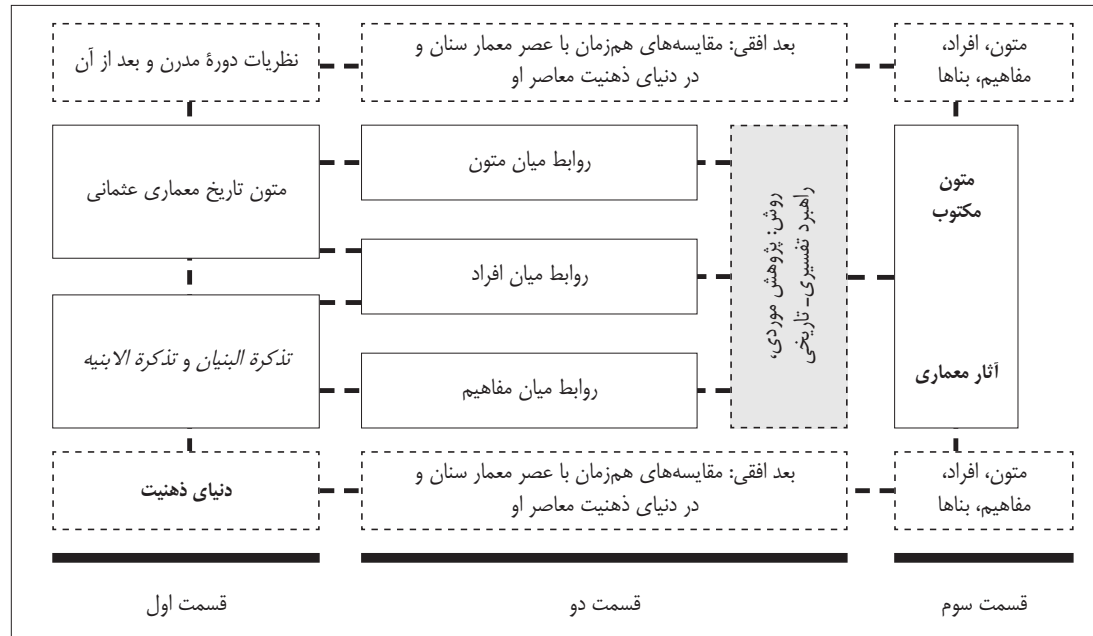
11. *Adsız Risale*

12. R. Şeşen, *Mimar Sinan ile Ilgili Yazmalar*, p. 296.

13. *Ibid.*

شایان توجه است. به طور مثال *زبدة التواریخ* مصطفی ساعی و آثاری چون آن زوایای مهمی از ساختار ذهنیت آن دوران را آشکار می‌کند و نگارش تاریخ ذهنیت معماری و معمار بدون توجه به چنین متونی خطر آن را دارد که از بسیاری موضوعات مهم غفلت شود. در این پژوهش با بهره‌گیری از شرح شیوه و آداب عملی مرسوم آموزش و پیشه معماری مندرج در تذکره‌ها به موضوع بسیار مهم ذهنیت معمار آن دوران پرداخته می‌شود که تا کنون تقریباً مورد توجه نبوده است و یا به شدت از آن غفلت شده است. با وجود تمرکز ویژه بر رسالات *تذکره البنیان* و *تذکره الابنیه*، در مسیر پژوهش و در بخش‌هایی مقایسه‌های تطبیقی با دیگر متن‌های دوران که در چینه‌ای به دنیای ذهنیت معماری عثمانی گشوده‌اند، انجام شده است و سعی شده تا ذهنیت معمار سنان با منطق درونی آن دوران و در سیاق زمانش فهمیده شود. در جدول «ت ۱» این موضوع شرح داده شده است.

متون مکتوب معماری آن دوران کفایت می‌کند؟ زمانی که به نمونه‌های آثار معماری عثمانی و تعداد و کیفیت آن‌ها می‌نگریم، پاسخ مثبت به این پرسش به نظر بسیار دشوار است. در واقع با مقایسه تعداد اندک متونی از این دست (دو متن اصلی) در برابر تعداد زیادی از ابنیه، انتخاب این رویکرد چونان رویکرد اصلی تحقیق مستلزم دلایل توجیهی بیشتری است؛ با این حال در این پژوهش به این ادعا قناعت می‌شود که با بهره‌گیری از این متون و رجوع به متون دیگر این دوران چون *رساله معماریه* و داشتن نیم‌نگاهی به برخی از آثار مهم سنان می‌توان راه‌هایی به چارچوب‌های ذهنی این معمار گشود. ذهنیت معمار سنان جدا از ذهنیت جامعه محل زیست او نیست. در این معنا، متون مکتوب دست اولی که هم‌زمان با موضوع مورد مطالعه نوشته شده‌اند و در فهم قالب‌های ذهنی آن دوران سودمند هستند و پژوهش‌های انجام‌شده در قرن بیستم درباره این متون مهم و



ت ۱. ترسیم روابط مفاهیم و موضوعات مراحل تحقیق، تدوین: نگارندگان.

۱.۳. هدف و پرسش‌های تحقیق

در این پژوهش، با بنیان قرار دادن یکی از معدود متون معماری جهان اسلام و کمک گرفتن از متون دست اول مشابه آن دوران، نگاهی نو به ذهنیت معماری معمار بزرگ دوران عثمانی، معمار سنان، فراهم می‌شود. در چارچوب این هدف برای فهم ذهنیت معماری سنان بر پایهٔ تذکرة البنیان و تذکرة الابنیه تلاش شده است تا به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

– از مطالعهٔ متنی که به درخواست سنان و توسط نویسندهٔ منتخب و معتمد او نوشته شده چه ابعاد و وجوهی از ذهنیات معماری سنان آشکار می‌شود؟ نوشتن نوشته‌ای با منطق مناقب‌نامه برای یک معمار به چه معنایی است و از چگونه ذهنیتی حاصل شده است؟

– در چارچوب رسمی دربار عثمانی، موقعیت‌های دیوانی که مقام‌های معماران و یا حامیان و بانیان آن‌ها بوده، چه معنا و مفهومی داشته است و آیا می‌توان قالب ذهنیتی که ذهنیت معمار به آن تعلق داشته است را از شرح ارتباط آن‌ها با این افراد و مقامات درک کرد؟

– آمدن نام و عناوین پیامبرانی که پیرهای حرف مختلف مرتبط با معماری بودند، خلفای راشدین، صحابه‌ها، و یا دیگر اولیا و شیوخ در یک رسالهٔ معماری در بستر ذهنیت آن دوران به چه معنایی است؟

– توجه به مفاهیمی، مانند «همت معنوی»، «هدیه»، «خدمت به کعبه»، «قدیم و عمل بر اساس قدیم» در یک متن معماری متعلق به قرن ۱۶ به فهم دنیای ذهنی معمار آن زمان، از درون خود آن، چه کمکی می‌رساند؟

– رابطهٔ ذهنیت معمار با معنویات رایج در متون تذکرةها چگونه انعکاس یافته است و به چه نتایجی منجر می‌گردد؟ جای گرفتن بعضی از آیات و احادیث در تذکرة‌ی یک معمار در قرن ۱۶ چه معنایی در ذهنیت آن دوره و ذهنیت خود معمار دارد؟

۱.۴. محدوده و حوزه جستجو و منابع آن

پژوهش پیش رو اساساً پژوهشی در تاریخ معماری است که توجه اصلی در آن، به جای بناها و جزئیات آن‌ها، به ساختارهای ذهنی پشت آن آثار است. برای تحقیق در چنین زمینه‌ای، علاوه بر بررسی عمیق متن اصلی تذکرة‌های معمار، رجوع به متون دیگر قرن دهم هجری هم از ضروریات کار است. بنا بر این در کلیت پژوهش دو نوع از متون بررسی شده اند: اول متونی که موضوع اصلی آن یک معمار و یا مفهوم معماری است و دیگر متونی که خارج از این دسته هستند، اما به واسطه مفاهیم و یا موضوعاتی با معماری مرتبط هستند. بر این اساس اصلی‌ترین متن بررسی شده در این معنا، تذکرة البنیان و تذکرة الابنیه است و رسالهٔ معماریه هم متن دیگر مرجع این پژوهش است و متون خارج از این دسته به تناسب در جای‌های مختلف پژوهش به کار رفته‌اند. می‌توان گفت محدودهٔ زمانی مورد مطالعه قرن دهم هجری و هم‌زمان با پادشاهی سلاطین عثمانی سلیمان اول (قانونی)، سلیم دوم، و مراد سوم است که معمار سنان در زمان ایشان به پیشهٔ معماری می‌پرداخته است. نتایج و یافته‌های این پژوهش محدود به سرزمین عثمانی و آن دوره است، با این حال می‌توان، با انجام مطالعات تکمیلی و احتیاط علمی لازم، برخی از آن‌ها را در سرزمین‌هایی با حوزهٔ فرهنگی مشابه بررسی کرد.

۱.۵. پیشینه پژوهش

آثار تاریخ‌نگاری عثمانی را می‌توان با تساهل به دو دسته تقسیم کرد: در دستهٔ اول، که می‌توان آن‌ها را تحت عنوان اصلی «اسناد» طبقه‌بندی کرد، بیشتر بر پایهٔ اسناد رسمی دولتی نگاشته شده و دومین دسته متونی هستند که همراه با تفاسیری از نگاه‌های مختلف و نویسندگان گوناگون و در نقد یا تحلیل متون اسلامی، اخلاق، و مانند آن نوشته شده‌اند.^{۱۴} نگاه به متون رسالات معماری مانند تذکرة البیان و رسالهٔ معماریه هم تا کنون بیشتر به نیت اسنادی تاریخی مرتبط با معماری بوده است و چارچوب‌های

14. G. Piterberg, *Osmanli Trajedisi: Tarih- Yziminin Tarihle Oyunu*, p. 5.

تذکره معماریه و تذکره الابنیه را تمام کرد و تحویل مؤسسه داد. اما از آنجا که بررسی و تطبیق مقایسه‌ای آثار دیگری چون تذکره البنیان، پادشاهنامه ایوبی و رساله جامع سلیمیه نوشته دایزاده مصطفی افندی تمام نشده بود، طرح مزبور متوقف مانده و منتشر نگردید. در سال ۱۹۵۶ آفت اینان^{۱۵}، ذیل تحقیقی که در مؤسسه تاریخ ترک انجام می‌شد، یک تک‌نگاری با عنوان *سنان*، معمار بزرگ منتشر کرد. در این تک‌نگاری بخش منظوم تذکره الابنیه هم گنجانده شد. به نظر می‌آید که آفت اینان این متن را از متن مریچ، که هنوز منتشر نشده بود، گرفته است. در سال ۱۹۶۵ نسخه ویرایش شده‌ای از این مجموعه، که ملول مریچ قبلاً آماده کرده بود، چاپ شد. این پژوهش اثری نقادانه است که برخوردار از اصول علمی است. در این پژوهش تفاوت نسخه‌ها با الفبای عربی مشخص شده است. در سال ۱۹۶۸ قسمت دوم *سنان*، معمار بزرگ آفت اینان منتشر شد که فهرست بناهای قیدشده در تذکره الابنیه نیز در آن جای گرفت. در سال ۱۹۸۴ در دانشکده معماری دانشگاه یئلدیز، محرم حلمی شن‌آلپ^{۱۶}، رساله‌ای با عنوان *ساعی چلبی، تذکره البنیان معمار سنان* تألیف کرد. در سال ۱۹۸۸ صادق اردم^{۱۷} تذکره البنیان احمد جودت را، که در سال ۱۸۹۷ منتشر شده بود، با تبدیل حروف آن به الفبای لاتین منتشر کرد. در این متن، مقایسه بین دو متن انجام نشده و فقط در انتهای متن، واژه‌نامه مختصری به آن افزوده شده است. در سال ۱۹۸۸ ذکی سونمز^{۱۸}، با ترجمه متون مرتبط با معمار سنان به ترکی استانبولی، اثری را منتشر کرد. سونمز بخش منظوم آن را به زبان ترکی امروزی برنگرداند؛ بلکه حروف آن را به الفبای لاتین تبدیل کرد. در سال ۱۹۹۰ ساعتچی عین متن نسخه روان کوشکو را به صورت یک مقاله منتشر کرد. در این مقاله، موضوع بحث، چگونگی تغییر الفبای متن به الفبای لاتین است.^{۱۹} علاوه بر مطالعات مذکور، از متون تذکره‌ها در بسیاری از پژوهش‌های مرتبط با سنان بهره برده شده است که ذکر آن‌ها در مجال این مقاله ممکن نیست.

ذهنی پشت آن‌ها مورد توجه واقع نشده است. به طور مثال محققان بیشتر به فهرست آثار مندرج در این متون و شناسایی تاریخ ساخت آن‌ها پرداخته‌اند و به مسائلی چون محل تولد و سال تولد سنان و مراحل رشد او در نظام اداری عثمانی، بناهای او، و مانند آن توجه کرده‌اند^{۱۵} و به این متون به مثابه آثاری که می‌توان آن‌ها را منابعی برای شناخت بهتر یک دوران تاریخی و ذهنیت حاکم بر آن دانست، نگریسته نشده است. ذهنیت معمار سنان هم به منزله جزئی از این ذهنیت بزرگ تا کنون به طور مستقل و بر مبنای این رسالات بررسی نشده است. علاوه بر این نگاهی گذرا به مطالعات تاریخ‌نگاری معماری عثمانی آشکار می‌کند که تا کنون در درجه اول آثار ملموس معماری و در واقع ابنیه و بعد از آن اسناد رسمی مرتبط با آثار در این مطالعات اهمیت بیشتری داشته‌اند و به متونی مانند *تذکره البیان*، از وجهی که یک اثر ادبی مرتبط با معماری است، کمتر پرداخته شده است. با این همه می‌توان مطالعات انجام‌شده بر روی متون *تذکره البنیان* و *تذکره الابنیه* را به طور خلاصه چنین بیان کرد:

در سال ۱۸۹۷ احمد جودت^{۱۶} *تذکره البنیان* را از طریق انتشارات کتابخانه اقدام منتشر کرد. در این چاپ، بخش منظوم این اثر حذف شده و متکی بر نسخه‌ای است که از ترکیب با تذکره الابنیه به دست آمده است. در سال ۱۹۳۱ احمد رفیق آلتین‌آی^{۱۷} در کتاب خود با نام *معمار سنان*، متن *تذکره الابنیه* را گنجانده او همچنان که بخش منظوم را نشر نداد، به بخش مربوط به شرح حال کوتاه معمار سنان *تذکره الابنیه* هم اشاره نکرده است. در سال ۱۹۳۵ مؤسسه تاریخ ترک که کمال آتاترک بر آن نظارت می‌کرد، در چارچوب پروژه *خطوط اصلی تاریخ ترک* و در قسمت «خدمات ترکان به تمدن»، در بخش «تاریخ معماری عثمانی»، مطالعاتی در دلمه‌باغچه‌سرای انجام داد که طی آن تصمیم گرفته شد تا منابع مرتبط با زندگی و آثار معمار سنان منتشر شود. ملول مریچ که عهده‌دار این وظیفه شد، در سال ۱۹۳۹ *فهرست‌بندی رساله بی‌نام، رساله معماریه*،

15. R.M. Meric, *Mimar Sinan, Hayati, Asari I, Mimar Sinanin Hayatında, Eserlerina Dayir Matinler*, p. 125.

16. Ahmed Cevdat

17. Ahmed Refik Altinay

18. Afet Inan

19. Muharrem Hilmi Senalp

20. Sadik Erdem

21. Zeki Sonmez

22. Çelebi, *Yapılar Kitabı: Tezkiretu'l-bunyan ve tezkiretu'l-ebniye: Mimar Sinan anıları*, pp. 16-19.



۲. داشته‌ها و دانسته‌های پژوهش و

چارچوب تحلیلی

۲.۱. مواد خام تحقیق؛ تذکرة البیان، تذکرة

الابنیه، رساله معماریه، و دیگر متون

در این بخش مواد خام و منابعی مطرح می‌شوند که برای رسیدن به اهداف تحقیق باید از آن‌ها بهره برد. ادعاهای مطرح در یافته‌های این پژوهش با اولویت قرار دادن متون رسالات تذکرة البنیان و تذکرة الابنیه و در درجه دوم اهمیت رساله معماریه تألیف شده‌اند؛ هرچند نمی‌توان جزئیات تحلیل‌های مطرح در مورد تذکرة البنیان را به رساله معماریه تعمیم داد، اما شباهت‌ها و نزدیکی‌های این دو متن در این تحقیق مورد توجه بوده‌اند.

۲.۱.۱. هدف از نگارش متن تذکرةها

در بخش‌های آغازین تذکرةها ساعی مصطفی چلبی نیت خود را از نگارش آن‌ها به روشنی بیان کرده است؛ بر اساس نوشته او، سنان بن عبدالمنان^{۳۳}، در کهن‌سالی و زمانی که پیر و ناتوان شده بود، از او خواسته است تا حسب حالش را به نظم و نثر نگارش کند. ساعی اشاره کرده است که مقصود سنان از نگارش متن این بوده است که نام و نشانی از او بر صحیفه روزگار به یادگار باقی بماند و مردم آینده از او با دعای خیر یاد کنند. بر این اساس نیت سنان از اقدام برای نگارش رساله‌ها، مشابه نیت او از آفرینش آثار معماری است. او در پی نام نیک ماندگار و دعای خیر مردم است و قصد او شهرت و خودستایی نیست؛ چرا که این متون در زمانی نوشته شده‌اند که او پیر و ناتوان شده بود و به همه افتخارات و شکوهی که یک معمار در آن زمان می‌توانسته کسب کند، رسیده بوده است. در حالی که سنان زمانی قصد نگارش کتاب را کرده است که دیگر فرصتی برای انجام کارهای معماری بیشتری ندارد. درواقع او در پی دعای مردم برای جهان پس از مرگ خود است.

۲.۱.۲. محتویات متن

متن تذکرة البنیان، که ترکیبی از نثر و نظم است، با حمد و سپاس مؤسس عالم و درود و صلوات بر اول معمار کعبه دل‌اخیار، پیامبر اعظم^(ص)، آغاز شده و با وصف خلفای راشدین و صحابه پیامبر^(ص) و امام حسن^(ع) و امام حسین^(ع) ادامه یافته است. نویسنده در ادامه متن به حمد پادشاه و شهزاده او و وزیر اعظم پرداخته است. پس از این بخش نویسنده سبب تحریر تذکرة را ذکر و شرح موضوعات اصلی متن را آغاز کرده است. معمار سنان به قلم ساعی، پیش از هر چیز سبب معمار شدن خود و شرح کوتاهی از ماجرای زندگی و مراحل رشد خود را در نظام دیوانی عثمانی و در نهایت رسیدنش به درجه معماری را بیان کرده است. ادامه متن رساله به بیان شرح طرح و بنای آثار مختلف معمار سنان، مانند مسجد جامع شهزاده سلطان محمدخان، طاق‌هایی برای آب‌رسانی به شهر استانبول، مسجد جامع سلطان سلیمان‌خان، چاه دولاب در باغچه پادشاه، پل چکمه‌جه در عهد سلطان سلیمان، و جامع سلطان سلیم‌خان اختصاص یافته است. رساله تذکرة الابنیه با قصیده‌ای نسبتاً مفصل آغاز شده و در ادامه شرح فهرست آثار سنان در بخش‌های مختلف چون جوامع، مساجد، مدارس، دارالقراها، تربت‌ها، عمارات، دارالشفاه، سدها، جسرها، کاروان‌سراها، کاخ‌ها، مخزن‌ها، و حمام‌ها آمده است.

۲.۱.۳. منابع متن تذکرة، آیات و احادیث

در تذکرة البنیان برخلاف رساله معماریه به جز هشت آیه از قرآن کریم و در مواردی اشاراتی به احادیثی از پیامبر اعظم^(ص) به منابع مکتوب دیگری ارجاع داده نشده است. شاید بتوان چنین اندیشید که این موضوع با چرایی نگارش تذکرة و جهت‌گیری نویسنده مرتبط بوده است، چرا که یکی از اهداف اصلی این کتاب عرضه فهرستی از کارهای مختلف معماری سنان و شرح آن‌ها است و درواقع نیازی به رجوع به منابع متعدد نبوده است.

۳۳. نام معمار سنان در تذکرة البنیان سنان بن عبدالمنان آمده است. در دوره عثمانی نام کسانی که دین خود را عوض کرده و به اسلام گرویده بودند به جای نام پدر عبارتی چون عبدالله، عبدالرحمان، عبدالمنان به کار می‌رفته است، در بخش منثور تذکرة البنیان هم این‌گونه عنوان به صورت سنان بن عبدالمنان آمده است. در یکی از وقفنامه‌ها هم نام او سنان بن عبدالرحمن قید شده است (نک: Afet Inan, Mimar Koca Sinan)؛ اما در بخش منظوم تذکرة الابنیه بیت «این شاگرد و بنده حبیب پیر نجار، یوسف بن عبدالله معمار» مشکلاتی را پیش روی ما قرار می‌دهد. در اینجا خود معمار سنان است که می‌نویسد و نام خود را یوسف بن عبدالله اعلام می‌کند. یوسف بن عبدالله اشاره به معمار دوره فاتح، آزادی سنان، است که معمار مسجد فاتح بود و در نهایت محبوس و کشته شد (Sinan-ı Atik). و در وقفیه آن که نسخه برجای مانده از آن به تاریخ ۱۲۶۷ق است، نام او سنان‌الدین یوسف بن عبدالله ذکر شده است (نک: I.H. Konyali, Fatihin mimarlarinan Azadli Sinan mimarlarinan Azadli Sinan Vagifleri, Asarleri, Hayati, Mazari).

عجم، وزیر اعظم ایازپاشا، وزیر اعظم محمدپاشا، شهزاده سلیم، نورالدین‌زاده افندی آمده است که هر کدام جایگاهی ویژه در ذهنیت معمار داشته است.

۲.۱.۵. مفاهیم

در خلال سطور متن رساله، نویسنده به طور عمد و گاه غیر عمد به مفاهیمی اشاره می‌کند که هر کدام می‌توانند دریچه‌ای به ذهنیت معمار سنان بگشایند. در این مقاله روابط تعدادی از این مفاهیم، یعنی مفهوم کعبه، هدیه، و قدیم با ذهنیت معمار سنان، به طور نمونه بررسی شده است.

۲.۲. چارچوب تحلیلی پژوهش

در آغاز و با خواندن متن تذکره آن هم به دفعات و متنهای یاری‌رسان دیگر و با شناخت افراد، مفاهیم، و متون و نام بناها، ساختاری ترسیم و بستر روابط مشخص گردیده است. برای اینکه این روابط به مقاله‌ای بدل شوند، بعضی از حذفیات و اختصارات به‌اجبار رخ داده است. بر این اساس سرفصل چارچوب تحلیلی مندرج در بخش یافته‌ها شکل گرفته است. این چارچوب تحلیلی به طور خلاصه در جدول «ت ۲» ارائه شده است.

۳. تحلیل و بررسی

۳.۱. متون رساله و تذکره یک معمار یا

مناقب‌نامه او؛ کلیدی به ذهنیت دوران

جعفر افندی در رساله معماریه در پی آن بوده است که مناقب‌نامه‌ای برای یکی از معماران مهم دوران عثمانی محمد بن عبدالمعین بنویسد و سنت مناقب‌نویسی رایج را ادامه دهد.^{۳۴} با جستجوی مناقب‌نامه معماران دیگر روشن می‌شود که در حال حاضر تنها متونی مرتبط با معمار سنان در دست است که در واقع می‌توان همه آن‌ها را نسخه‌هایی از یک متن اصلی دانست: رساله بی‌نام، رساله معماریه، تحفه معماریه، تذکره الابنیه، و

ساعی در روایت ماجرای معمار شدن سنان به نقل از او، آیه ۴۳ سوره مبارکه اعراف به مضمون «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا اِنَّ هَدَانَا لِلَّهِ» را بیان کرده است. نویسنده در شرح آبرسانی به استانبول از آیه ۱۸ سوره به مضمون «عِينًا تَسْمِي سلسبیل» بهره برده است. همچنین ابیات آغازین متن تذکره الابنیه، به آیات «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضَ فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ...» (هود: ۷)، «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (رعد: ۲)، و «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰) اشاره کرده است. همچنین در وصف امام علی^(ع)، از حدیث نبوی «انا مدینه العلم و علی بابها» و در تذکره الابنیه و بخش صلوات و درود به پیامبر^(ص) از حدیث «لی مع الله وقت لا یسعنی ملک مقرب و لا نبی مرسل» یاد شده است. بر این اساس می‌توان گفت نویسنده به تناسب محتوای تذکره، در جای‌جای آن از آیات قرآن و احادیث نبوی بهره برده است. در تذکره آیات و احادیث یا به صورت مستقل به کار رفته‌اند، یا به طور خلاصه و در ضمن روایت یک رویداد معماری بیان شده‌اند. اطلاعات مندرج در آیات و احادیث ثابت هستند. این‌ها از طرف نویسنده و معمار و مخاطبان او پذیرفته شده و قطعی بوده‌اند. او بر اساس همان داده‌های از پیش معین و تغییرناپذیر سخن خود را آغاز و مختصات ذهنیت معماری خود را پایه‌گذاری می‌کند.

۲.۱.۴. اشخاص

در متن تذکره نام افراد و اشخاصی چون حضرت آدم^(ع)، حضرت ابراهیم^(ع)، حضرت سلیمان^(ع)، حضرت محمد^(ص)، ابوبکر، عمر، عثمان، حضرت علی^(ع)، حضرت فاطمه^(ص)، حضرت امام حسن^(ع)، حضرت امام حسین^(ع)، مراد سوم، شهزاده محمدخان، وزیر اعظم سیاوش‌پاشا، معمار سنان، سلطان سلیم‌خان، سلطان سلیمان‌خان، وزیر لطفی‌پاشا، صوفی محمدپاشا، معمار علی

۳۴. جعفر افندی، رساله معماریه،

ص ۵.

ت ۲. چارچوب تحلیلی تحقیق، تدوین: نگارندگان.

تذکرة البنیان. اگر بپذیریم که این متون در ذهنیت حاکم آن زمان مناقب‌نامه محسوب می‌شده است، سوالاتی چند در زمینه پژوهش پدید خواهد آمد. اول آنکه نگارش مناقب‌نامه، که بیشتر در مورد بزرگان تصوف و بعدها مقامات دولت عثمانی رایج بود، برای یک معمار چه معنایی دارد؟ آیا معمار در این مناقب‌نامه‌ها

قهرمان نویسنده است و یا موقعیت اجتماعی ممتاز او منجر به نگارش مناقب‌نامه شده است؟ و به چه میزان و از چه طرقی می‌توان صدای معماری را شنید که از نویسنده خواسته است تا مناقب‌نامه‌اش را بنویسد و آیا می‌توان به ذهنیت او از این راه دریچه‌ای گشود؟

مناقب‌نامه‌ها نام عمومی آثاری است که بیشتر کرامات اولیای خدا را روایت کرده‌اند. معنای لفظی مناقب کار زیبایی قابل تحسین است. در آغاز و در کتب حدیث به بخش‌هایی که کارهای نیک حضرت پیامبر^(ص) و احادیثی که اخلاق نیکو و فضایل صحابه را روایت می‌کردند، کتاب المناقب گفته می‌شد. به آثاری که با نیت مناقب‌نامه نوشته می‌شد تذکره، رشاحات، مقامات، نفحات، و اسامی چون این‌ها داده می‌شد^{۲۵}. با گسترش اسلام و افزایش مکتوبات، به آثاری که روایاتی از اولیای خدا آورده شده بود، مناقب یا مناقب‌نامه گفته شد^{۲۶}. بیشتر مورخان تُرک به مناقب‌ها که، بر اساس منطق محتوایشان، معمولاً از رویدادهای معمولی فراتر بود، به منزله سند تاریخی با ارزش توجه نکرده‌اند و تنها بخش‌هایی از آن‌ها را، که با رویدادهای تاریخی مندرج در منابع دیگر تطبیق داشته، با دقت مطالعه کرده‌اند^{۲۷}. می‌توان متونی مانند رساله‌های مناقب‌نامه را براساس هدف نگارششان به سه دسته تقسیم کرد: اول آن آثاری است که به وسیله آن‌ها مناقب ولی به مریدان انتقال می‌یافت و طریقت او تکمیل می‌شد. دومین دسته آثاری هستند که هدف در آن‌ها تلاش برای افزایش مریدان است. هدف از نگارش سومین دسته از این مناقب‌نامه‌ها برقراری مشروعیت در نظر علمای نماینده دین رسمی بود که با چشمی نیکو به طریقت و شیوخ آن نمی‌نگریستند^{۲۸}. متون مرتبط با معمار سنان و آثار او اولین مناقب‌نامه‌هایی بودند که برای یک معمار نوشته شده‌اند. مانند مناقب‌نامه‌هایی که برای شیوخ نوشته می‌شدند و شرح حال‌های پادشاهانی که عازم جنگ بودند، در تذکرة البنیان هم برای مثال آفرینش مسجد جامع سلیمیه برای معمار یک غذا است و کارهای

دنیای ذهنیت عثمانی، معمار سنان و متن تذکرة البنیان و تذکرة الانبیه				
متون	افراد	مفاهیم	آثار و بناها	
تذکرة البنیان و تذکرة الانبیه، رساله معماریه، آیات، احادیث، متون دیگر	ساعی مصطفی چلبی، جعفر افندی، محمدآقا، معمار سنان، سلطان سلیمان، سلطان سلیم دوم	هفت اقلیم، قدیم، هدیه، خادم‌الحرمین، کعبه	ایاصوفیه، مسجد سلطان احمد، سلیمیه	سده‌های ۱۶-۱۷
آیات، احادیث، کتب تاریخی، کتب دینی و تفسیر	پیامبران، چهار خلیفه، امام حسن ^(ع) ، امام حسین ^(ع) ، پادشاهان، استادان معمار	همت، حمایت، هدیه، حکمت، معمار خادم‌الحرمین	مرمت کعبه، سلیمیه، مسجد سلطان احمد	تذکرة البنیان و تذکرة الانبیه
مناقب‌نامه‌ها، رسالات، تذکره‌ها، تحفه‌ها	پیامبران، خلفا، اولیا، پادشاهان، وزرا، معماران، نویسندگان	اقلیم سبع، عدد هفت، هدیه	کعبه، جامع	اسلام
تذکرة البنیان و تذکرة الانبیه، رساله معماریه	معمار سنان، محمدآقا	قدیم، حمایت، تاریخ ذهنیت	مساجد پادشاهی، کاروان‌سراها، پل‌ها	تاریخ‌نگاری معماری
<p>متن تذکرة البنیان و تذکرة الانبیه، محتویات، مراجع، روابط میان متون</p> <ul style="list-style-type: none"> - رساله معماری یا مناقب‌نامه معمار - متون مکتوب: مراجع آیات و احادیث افراد، حامیان، مشروعیت معمار حاصل از ارتباط با افراد - عناوین و وظایف معمار - بزرگان دین و همت معنوی - حامیان سیاسی و هنری مفاهیم و دنیای ذهنیت معمار - هدیه، نشانه‌ای سیاسی، معنوی و هنری - کعبه؛ حامی معمار و معمار خادم‌الحرمین - هفت اقلیم - فهم از قدیم در ذهنیت معمار بناها، نگاه به آثار و اهداف آن، چالش و رقابت با گذشته 				

چارچوب تحلیلی



۳.۲. افراد و اشخاص؛ جنبه‌ی حرفه‌ای و اجتماعی ذهنیت معمار؛

در این بخش با مرکز قرار دادن معمار سنان و متون تذکرة البنیان و تذکرة الابنیه و معانی نسبت داده‌شده به معمار و افراد مرتبط با او، نقش جمعی معمار را بر اساس ساختارهای ذهنی و نظم و رویه معمول حکومت عثمانی تشریح می‌شود. هدف اصلی این است که در ساختار سیاسی و اداری عثمانی، موقعیت حامیان و بنیان و همچنین جایگاه عناوین اداری و وظایف معمار، مانند آقا، عجمی اوغلان، سوباشی، معمارباشی، و... در ذهنیت جامعه و معمار نماینده آن شناخته شود، عناوین و وظایفی که معمار سنان، محمدآقا، و تعداد دیگری از معماران بزرگ آن دوران تجربه کرده بودند. معمار در آن دوران، و بر اساس متن رساله، با افراد و نام‌های مهمی در ارتباط بوده و یا با ایشان پیوندها و مناسباتی داشته است. بعضی از ایشان پیرها و بزرگان حرفه و مذهب او و برخی بزرگان دربار و دستگاه حاکم بودند که از وی و احداث آثار معماری حمایت می‌کردند. شناخت نحوه ارتباط معمار با این افراد و نوع مناسبات او می‌تواند دریچه‌ای به ذهنیت وی بگشاید.

۳.۲.۱. عناوین رسمی و اداری معمار و جایگاه او

سنان آقا در سال ۱۵۱۴ و در حین سفر سلطان سلیم اول به ایران در ایالت قیصریه، بر اساس نظام رایج دوشرمه که در آن کودکان مسیحی از خانواده‌هایشان جدا می‌شدند و به سپاه ترک می‌پیوستند، به لشکر عجمی اوغلان^{۳۱} پیوست. او در اوایل دوران سلطان سلیمان ینی‌چری^{۳۲} شد. در سفر بلگراد و رودوس، سگبان سواره بود و در سفر حج در ۱۵۲۶ یا یاباشی^{۳۳} لشکر عجمی اوغلان و پس از آن قاپوچی^{۳۴} شد. او در سفر ۱۵۳۲ به آلمان، به مقام زنبورک‌چی‌باشی^{۳۵} ارتقا یافت. او در سال ۱۵۳۶ و هنگام بازگشت از سفر بغداد معمار خاصه و صوباشی^{۳۶} بود و در نهایت در ۱۵۳۹ بر اساس پیشنهاد صدر اعظم لطفی‌پاشا، معمارباشی (سرمعماران) گشت.^{۳۷}

سنان با مفهوم ولایت آشکار می‌شود^{۳۹}. در این معنا معمار در جایگاه اولیایی قرار می‌گیرد که در مناقب‌نامه جای داشتند و یا لازم بوده که در حقشان مناقب‌نامه مکتوب شود. در ذهنیت سنان این روشن بوده است که از طریق نگارش چنین متنی در اواخر زندگی‌اش می‌توان خاطره‌ای نیکو از خود برای شاگردان و دیگر مردم بر جای بگذارد. علاوه بر این نوع مرادفه سنان با وزرا و مقامات درباری حاکی از آن است که او فردی مهم در نظام دیوانی عثمانی محسوب می‌شده است و نگارش مناقب‌نامه برای وی چندان عجیب نیست. با این حال این ادعا که همه آن چیزی که در تذکره‌ها آمده است به طور کامل از زبان خود سنان است، بحث‌انگیز است. در واقع در نگاه اول به نظر می‌رسد که اولویت در اینجا با طرز فکر و ذهنیت ساعی چلبی و طرز سخن گفتن او باشد. از سویی دیگر، می‌توان گفت که ساعی چلبی و معمار سنان بازیگران یک بستر فرهنگی اجتماعی بوده‌اند. براین اساس حتی اگر یکی از آن‌ها معمار و دیگری کاتب باشد، قالب‌های ذهنی و ابعاد مختلف ذهنیت آن‌ها، در مقایسه با نسبت ذهنیت یک معمار مدرن و معمار سنان، بی‌شک نزدیک‌تر و شبیه‌تر است. به‌علاوه باید توجه کرد که ساعی معتمد و منتخب خود سنان بوده است و وی نظارت دقیقی بر نگارش رساله داشته است. اسناد اصلی ویراست‌های مختلف متون زندگینامه‌ای سنان که از طرف خود او نوشته شده‌اند، حاوی الحاقات حاشیه‌ای و اصلاحاتی است که با دست‌خط مشخصی، که ممکن است دست خود سنان باشند، نوشته شده‌اند و در واقع به فرایندی از ویرایش متن نوشته‌شده به دست نویسنده منتخب سنان شهادت می‌دهند که خود معمار هم در آن شرکت داشته است^{۴۰}. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که هرچند ممکن است ذهنیت این دو در مواردی متمایز باشد، بیشتر نزدیک و شبیه بوده است و می‌توان انعکاس آن را در تذکره‌ها یافت. البته نباید این موضوع را فراموش کرد که اغراق در موقعیت‌ها و رویدادها از ویژگی‌های ساختاری مناقب‌نامه‌ها است.

25. H. Sahin, *Menakibname*, p. 112.

26. A. Ocak, *Kultur Tarihi Kaynagi Olarak Menakibnameler: Metodolojik Bir Yaklasim*, p. 36.

27. Sahin, *ibid*, p. 113.

28. Ocak, *ibid*, p. 36.

۲۹. نک:

G. Necipoğlu, *Preface: Sources, Themes, and Cultural Implications of Sinan's Autobiographies*, *Sinan's Autobiographies: A Critical Edition of Five Sixteenth Century Texts*. 30. Idem, "Challenging the Past: Sinan and the Competitive Discourse of Early Modern Islamic Architecture", pp. 171-172.

۳۱. پسران جوان غیر مسلمان بعد از مسلمان شدن وارد سپاهی به اسم عجمی اوغلان می‌شدند. مدت زمان خدمت آن‌ها در سپاه عجمی اوغلان هفت سال بود و در آن فنون جنگ می‌آموختند و بعد از هفت سال شایسته ورود به سپاه ینی‌چری دانسته می‌شدند.

۳۲. ینی‌چری به معنی چریک نو واحدهای ویژه و ورزیده‌ای از سپاه عثمانی بودند که سربازان آن از عجمی اوغلان‌هایی تشکیل می‌شد که دوره هفت‌ساله آموزش خود را با موفقیت گذرانده بودند.

۳۳. یاباشی مسئول گروه سربازان پیاده بود و تقریباً مسئولیت یکصد یا بیشتر را بر عهده داشت (M.Z. Pakalın, *Osmanli Tarih Deyimleri ve*

Sozlugu, p. 611).



۳۴. در ترکی قاپو به معنای «در» و قاپوچی به معنای «دربار» است، «به در آمده» اشاره به وظایفی چون نگهبانی و کالسکه یا ارابه‌رانی است که به همراه سران کاخ در بیرون از آنجا انجام می‌شد. این مفهوم همچنان به اجنبی‌زاده‌هایی که در اماکن آموزشی تربیت می‌شدند و یا در گروه‌های وابسته به سپاه حضور می‌یافتند، اشاره دارد (Ibid, p. 176).

۳۵. زنبورکچی فرمانده رتبه ۸۲ پیشقراولان است. تا زمانی که تفنگ در سپاه متداول گردید سلاح زنبورک در جنگ‌ها کاربرد داشت؛ زنبورکچی‌باشی‌ها از سرداران برگزیده انتخاب می‌شدند (Ibid, p. 652).

۳۶. مدیر و مسئول آب

37. S. Yerasimos, "15-16. Yüzyıl Osmanlı Mimarları: Bir Prosopografya Denemesi", p. 52.
38. C.H. Fleischer, *Tarihçi Mustafa Ali: Bir Osmanlı Aydın ve Bürokrati*, p. 78.
39. Yerasimos, *ibid*, p. 37.

۴۰. افسر نظامی

41. U. Tanyeli, *Mimarlığın Aktörleri: Türkiye 1900-2000*, p. 28.

عنوان «معماری‌باشی» یا «سرمعماران» در ساختار اداری عثمانی بالاترین درجه برای یک معمار محسوب می‌شد و در واقع مقامی بود که در آن واحد تنها یک نفر عهده‌دار آن بود. معماری‌باشی باید همواره در دسترس پادشاه می‌بود و در سرای او و یا در مسافتی نزدیک به او زندگی می‌کرد.^{۳۸} براساس آنچه در مورد سنان شرح داده شد، می‌توان گفت معمار عثمانی، پیش از رسیدن به مقام معماری‌باشی، باید در درون نظام دیوانی و درباری عثمانی آموزش می‌دید و به این طریق به درون قالب‌های کاری و ذهنی‌شان داخل می‌شد. معماری که در داخل این نظام رشد تدریجی می‌یافت، به موقعیت و جایگاه خاص معمار و روابط درون دربار آشنا می‌شد و زمانی که به مسند معماری‌باشی می‌رسید، در واقع به بالاترین جایگاه مسلکی و اداری ممکن برای خود دست یافته بود. سنان پیش از رسیدن به عنوان سرمعماران، کارهای معماری بسیاری انجام داده بود. او هم سرباز، هم نجار، و هم معمار محسوب می‌شد. یراسیموس درباره معماری عثمانی معتقد است

در همه جای جهان، پیش از زمان مدرن، به غیر از موقعیت‌های بسیار ویژه‌ای، معماران نتوانستند از میان مردم عادی برجسته شده و نام خود را در تاریخ جای بگذارند. با وجود این، در هر دوره‌ای معماری هستند که با آفرینش بناهای یادمانی مهم، به قهرمان و یا حتی افسانه بدل شدند. نوشته شدن متن زندگی‌نامه برای معمار سنان و معمار جامع سلطان احمد و صدفکار محمدآقا نمایشگر چنین موقعیتی برای آن‌ها در دوران عثمانی است.^{۳۹}

یکی دیگر از نظرات مهم در خصوص نقش متغییر معمار-مقام اداری از سوی تانیلی بیان شده است. بر اساس نظر او، هویت چندگانه معمار در حکومت عثمانی حاکی از آن است که برای یک معمار/ یک مقام دیوانی در یک زندگی دیوان‌سالارانه طولانی، پیشه معماری تنها مقامی است که او برای مدتی اشغال می‌کرد. می‌دانیم که سنان تا ۵۰ سالگی سوبای^{۴۰} بوده است و آثاری مشابه پل‌هایی که در آن دوران پدید آورده بود، بیش از

آنکه طرح‌های معماری تأثیرگذاری باشند، محصول مهندسی نظامی او بودند. وضعیت معماران دیگر شناخته‌شده آن دوران مانند صدفکار محمدآقا، قاسم‌آقا، احمد چاوش، و مانند ایشان هم با عنوان معمار-مقام دیوانی مشابه بوده است.^{۴۱} بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که موقعیت سنان در دربار عثمانی میان معمار بودن و مقام دیوانی بودن متغییر است و هیچ‌کدام از این وظایف او به دیگری اولویت ندارد. حتی اگر اسناد تاریخی نشان از اولویت وظایف دیوانی او داشته باشند، سفرهای سیاسی و نظامی برای او در حکم تعلیم و آموزش بوده است. بعد از رسیدن به مقام معماری‌باشی در نظام دیوان‌سالاری عثمانی، معمار می‌تواند به اعتبار اینکه معمار است مطرح شود و در واقع مسلک معماری ویژگی متمایز او می‌شد. معمار قبل از معمار باشی شدن عنوان مشخصی ندارد، او یک سرباز یا یک مقام دیوانی در میان سربازان و مقامات دیوانی دیگر بوده است.

۳.۲.۲. حامیان معنوی؛ پیرهای پیشه‌ها و همت معنوی
می‌توان افرادی که نامشان در رساله آمده است را به چهار دسته تقسیم کرد: پیامبران، چهار خلیفه و امام حسن^(ع) و امام حسین^(ع)، درباریان و مقامات دیوانی، و معماران و هنرمندان. در مورد درباریان و مقامات دیوانی در بخش حامیان و بانیان سخن خواهیم گفت؛ اما آمدن نام پیامبران و اولیای دین در یک رساله معماری و ارتباط آن‌ها با همت معنوی برای یک هنرمند را می‌توان شکلی از حمایت معنوی از یک هنرمند یا معمار دانست. مفهوم همت و یا همت معنوی بیشتر در ادبیات تصوف اسلامی به چشم آمده است. به طور خلاصه سه بعد معنای این مفهوم چنین است:

۱) همت به معنای آن است که شخص برای رسیدن به وضعیت کمال و یا به دست آوردن چیزی، با مدد از همه نیروهای معنوی و روحانی خود به سمت حق و حقیقت جهت‌گیری کند؛



حجاران آن هم اولین معماران و حجاران بودند^{۴۵} حضرت نوح^(ع) پیر نجاران بوده است^{۴۶}. حضرت ادریس^(ع) و حضرت داود^(ع) و حضرت سلیمان^(ع) پیرهای علم هندسه بوده‌اند، به‌علاوه حضرت سلیمان^(ع) پیر مهندسين هم بوده است^{۴۷}.

همچنین مدح چهار خلیفه و ذکر نام آن‌ها در آغاز کتاب یکی از سنت‌های رایج دوران عثمانی بوده است. بر همین اساس این سنت در آغاز کتابی در خصوص یک معمار هم ادامه یافته است. به طور مثال ابوبکر با القابی چون محراب کعبه حقیقت، قنديل باب طریقت، جامع صدق و صفا، حجر کعبه دین و حضرت علی^(ع) باب مدینه علم و عرفان و رکن رکین خانه دین وصف شده‌اند. پیامبران و خلفای راشدین صاحبان همت بودند و معمار محتاج همت باید از ایشان رخصت می‌گرفت و یاری می‌جست. آن‌ها با عباراتی مرتبط با معماری چون منبر، ستون، درب، و استعاراتی از این دست توصیف شده‌اند و نویسنده منتخب معمار علاوه بر رعایت سنت نوشتاری رایج، شرح زندگی و پیشه معمار را به ایشان پیوند زده و یاد ایشان را در آغاز متن بر تذکره جاری و حاکم کرده است. بخشی از چارچوب ذهنی معمار سنان به این طریق آشکار شده است، او خود را به این طریق پیرو و مرید چنین افرادی می‌دانسته است.

به نظر می‌رسد که در چارچوب ذهنیت عمومی آن زمان، به منظور اثبات اصالت هر صنعتی و از آن جمله معماری و دادن جنبه قدسی به آن صنعت، آن به یک نبی یا رسول و یا فردی از اولیای خدا، نسبت داده می‌شد. پس از انبیا، در سلسله مراتب اصناف، پیران مقام دوم را داشتند و معمولاً از صحابه و تابعین بودند. در واقع سلسله مراتب قدسی، که برای حفظ اصالت و حلال بودن صنعت و کسب معمار لازم شمرده می‌شد، با ارزش‌های اسلامی پیوندی معنایی می‌یافت. دستیابی به تخصص و مهارت در اسرار حرفه و آموختن آن از شاگردی استادانی حاصل می‌شد که اسرار را می‌دانستند و از رازهای سر به مهری، که پیوندی قدسی داشتند، خبردار بودند.^{۴۸}

۲) نیت خالص و نیک و صحت و ثبات قدم بر هر چیزی اولویت دارد و همه چیز به آن وابسته است؛

۳) آن چیزی که باعث می‌شود فردی به مقصدی برسد و یا کار خود را به پایان برساند و به آرزوها و مقاصدش نایل شود، قوت معنوی اوست.^{۴۲}

در تذکرة النبیان و تذکرة الانبیه نام پیامبرانی چون حضرت آدم^(ع)، حضرت سلیمان^(ع)، حضرت خضر^(ع)، حضرت ابراهیم^(ع)، حضرت محمد^(ص) و... ذکر شده است. روشن است که در میان ایشان، پیامبر اسلام جایگاه ویژه‌ای داشته است و بخشی از متن آغازین رساله به توصیف و تمجید از آن حضرت اختصاص یافته است. این جایگاه ویژه در متن بر اساس سنت نوشتاری آن دوران است که متون با حمد خدا و نعت رسول او آغاز می‌شده است. اما ذکر نام پیامبرانی دیگر چون سلیمان^(ع) و حضرت ابراهیم^(ع) معانی دیگری دارد. بعضی از ایشان پیرها و بزرگان پیشه‌هایی چون هندسه و معماری هستند. نسبت دادن پیشه‌های مختلف به پیرهایی چون پیامبران در ذهنیت آن دوران ریشه‌های عمیقی دارد. در بهجت التواریخ و در جایی که درباره بعضی از حکمای قدیم مطالبی آمده، این موضوع ذکر شده است که آن‌ها علم خود را از برخی پیامبران گرفته‌اند. به طور مثال این باور وجود داشت که فیلسوفی چون اسکلیپیوس حکمت را از ادریس پیامبر آموخته بود و یا لقمان حکیم حکمت را از پیامبران فراگرفته بود^{۴۳}. در منبعی دیگر آمده است که لقمان حکیم در زمان حضرت داود در شام زندگی می‌کرده است و لقمان حکمت را از آن حضرت آموخته بوده است. همچنین بر اساس رساله معماریه فیثاغورس علم خود را از حضرت سلیمان^(ع) آموخته بود.^{۴۴} بر همین اساس در ذهنیت غالب آن دوران حضرت شیث^(ع) و حضرت ابراهیم^(ع) پیر استادان معمار بوده‌اند. حضرت شیث و حضرت ابراهیم پیر سنگ‌تراشان و حجاران و بنایان بوده‌اند. طبیعی است که با توجه به این ذهنیت که کعبه نخستین بنای بر روی زمین بوده است، معماران و

42. S. Uludağ, *Tasavvuf Terimleri Sözlüğü*, p. 170.

43. H. Almaz, *Şükruallah b. Şihâbeddîn Ahmed b. Zeyneddîn Zekî, Behcetü't-Tevârîh (İnceleme-Metin-Tercüme)*, p. 261.

44. I. Kutluer, *İslâm'ın Klasik Çağında Felsefe Tasavvuru*, p. 45.

45. Ibid.

۴۶. هادی ندیمی، «آیین جوانمردان و طریقت معماران»، ص ۶۲

47. Kutluer, *ibid.*

۴۸. ندیمی، همان.

۳.۲.۳. نظام حمایت از معماری و ذهنیت معمار نسبت به حامیان و بانیان

بر طبق نظام حمایت رایج در ذهنیت آن دوران، فردی که از طبقه اجتماعی سیاسی و اقتصادی بالاتری بود بر اساس منابع املاک و یا امکانات و تأثیر و نفوذی که داشته، به کسی که نسبت به او درجه و موقعیت پایین‌تری داشته، در زمینه‌ای یاری می‌رسانده و از او حمایت می‌کرده است.^{۴۹} همان‌طور که می‌دانیم، معمار سنان در سفر بغداد با لطفی پاشا آشنا شده بود. او در این سفر سه کشتی و در سفر بوغدان پلی ساخته بود و توجه دربار را جلب کرده بود. در آن زمان لطفی پاشا صدر اعظم سنان را برای جانشین علاالدین علی عجم، که پیش از سنان معمارباشی بود، پیشنهاد کرد و این پیشنهاد از طرف سلطان سلیمان پذیرفته شد. سنان از ۱۵۳۹ تا زمانی که جهان را بدرود گفت در حدود ۵۰ سال برای تعداد زیادی از افراد حامی و بانی آثار معماری چون شاهان و شهزاده‌ها، ملکه مادر، شیوخ، و درباریان بناهای زیادی ساخته بود.^{۵۰} یکی از مهم‌ترین مطالعات درباره سنان و حامیانش متعلق به گلرو نجیب‌اوغلو است. از نظر او در سرزمین پادشاهی عثمانی و در جامعه‌ای با ساختار طبقاتی، اصلی‌ترین مفهوم شخصیت‌دهنده به همه چیزها و افراد در مشروعیت سلطان ریشه داشته است. در واقع شخصی که در راس دولت بوده است، هم شاه، هم خان، هم خاقان، و هم سلطان دیار روم بوده است.^{۵۱} علاوه بر آن شاه خلیفه خداوند و سایه او بر زمین است. این نقش خاص او را به رقابت در جغرافیای اروپا وادار می‌کند، همان‌طور که وی بزرگ‌ترین حامی معماری در سرزمین عثمانی و یکی از بزرگ‌ترین حامیان و بانیان معماری در سرزمین‌های اسلامی است و در واقع موضوع حمایت به رقابتی بین حکومت‌ها و پادشاهان بدل می‌شد. سلاطین و خاندان آن‌ها، بنیان‌های مشروعیتشان را در چنین اعمالی می‌یافتند و نفوذ و مقبولیت نخبگان اولیگارشی و اعتبار آن‌ها، از امر حمایت هنری متأثر بود. تعداد زیادی از مقامات و درباریانی، که از آفرینش آثار متنوع

هنری حمایت می‌کردند، از حامیان و بانیان آثار سنان بودند. از زاویه دید معمار و در ذهنیت او، نباید حامی را تنها کسی دانست که نام خود را به بنای ساخته‌شده توسط وی می‌داد. حامیان او هم کارفرما و هم مدیر او بودند. وقتی به موقعیت معمار در قرون ۱۶-۱۷ توجه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که معمار باید با هر دو دسته حامیان معماری و اداری همکاری و همراهی می‌کرد. ارتباط معمار با حامی با ارتباط هنرمندان دیگری چون شاعر با حامیان‌ش متفاوت است. علاوه بر آن تنها مدیران معمار کار وی را ارزیابی نمی‌کردند؛ بلکه او تحت حمایت و نظارت استادان و مربیان خود هم قرار می‌گرفت. حامیان معمولاً از آغاز کار مشخص بودند و بر اساس روال و نظم سیاسی از طرف نظام دیوانی مرکزی تعیین و به همراه افراد دیگر مؤثر در مدیریت کار به معمار اعلام می‌شدند؛ البته ممکن بود در طول وظایف معمار و از سر اجبار حامیان جدیدی به میدان بیایند.

۳.۳.۳. مفاهیم و چارچوب ذهنیت معمار سنان

چارچوب ذهنیت معمار سنان تحت تأثیر مفاهیم متعدد رایج در ذهنیت دوران او بود. تعدادی از این مفاهیم در تذکره‌ها به صورت پررنگ‌تری انعکاس یافته‌اند که در این مقاله چند نمونه از آن‌ها به طور مختصر بررسی شده است.

۳.۳.۱. مفهوم هدیه

بر مبنای رساله معماریه، معمار محمدآقا به توصیه معمار سنان به دو تن از سلاطین آن دوران، یعنی سلطان مراد سوم و سلطان سلیم دوم، هدایایی تقدیم کرده است.^{۵۲} برای فهم ذهنیت معمار سنان و محمدآقا نسبت به مفهوم هدیه و جایگاه و شرایط آن می‌توان پرسید: هدیه در جامعه اسلامی عثمانی چه معنایی داشته است؟ از طریق نوع هدیه یک معمار، می‌توان چه معنایی را از ذهنیت آن دوران درک کرد؟ هدیه چه درهایی را پیش روی معمار می‌گشود؟

49. Yerasimos, *ibid*, pp. 52-53.

50. *Ibid*.

51. Necipoğlu, *The Age of Sinan: Architectural Culture in the Ottoman Empire*, p. 27.

۵۲. افندی، همان، ص ۲۴.



این‌گونه به او تحفه‌ای تقدیم می‌کرده‌اند. چنان هدایایی مسیری مناسب برای تقرب به شاه بود. معمار صدفکار دو هدیه معنادار تقدیم پادشاه می‌کند. رحلی که با قرآن پیوند خورده است و جنبه معنوی دارد و گویی معمار می‌توانسته با هر بار قرآن خواندن در آن رحل، شریک ثواب قاری شود و کماندان که نشانه‌ای از قدرت نظامی و اعتبار سیاسی پادشاه بود. این هدایا، علاوه بر معنای معنوی و سیاسی‌شان، نشانگر هنر دست معمار و شاید مزیت او به دیگر معماران بود. به این ترتیب تقدیم آن‌ها، که هم جنبه معنوی و هم جنبه سیاسی و هنری داشت، راه‌هایی را برای معمار در هر سه زمینه می‌گشوده است.

۳.۳.۲. مفهوم کعبه و ذهنیت معمار

«خادم الحرمین الشریفین» و «حامی الحرمین الشریفین» دو صفت مهم سلاطین عثمانی بوده است و نشانگر اهمیتی است که دو شهر مکه و مدینه در ذهنیت حاکم دوران عثمانی داشته است. این عناوین پس از عباسیان در بعضی از حکومت‌های اسلامی به کار رفت و در امپراتوری عثمانی پس از سلطان سلیم اول عناوینی رسمی برای سلاطین بود.^{۵۵} در کتاب *شهنامه پادشاه* نوشته طالق‌زاده (۱۵۹۳-۱۹۵۴)، لقب خادم الحرمین یکی از مهم‌ترین صفات پادشاهان و بلکه مهم‌ترین آن‌ها مطرح شده است.^{۵۶}

اعتبار و اهمیت القاب خادم الحرمین و حامی الحرمین با مسجد و مقبره نبی (ص) در مدینه و کعبه، که روح خود را به شهر مکه گسترده است، مرتبط است. بخصوص کعبه، در رتبه اولین بنایی که در جهان برپا شد، فراتر از یک بنا و به مثابه یک مفهوم معنوی اعلا حایز اهمیت ویژه است.^{۵۷} این بنا معانی نشانه‌ای بسیار عمیقی در دانش و ادبیات و هنر دوران عثمانی داشته است و حتی کتاب‌هایی به صورت مستقل و با عنوان عمومی کعبه‌نامه درباره آن نوشته شده است.^{۵۸} عبارت «کعبه» در جای‌جای تذکره‌های معماران سنان، با عنوان مقدس‌ترین نقطه

واژه رایج معادل هدیه در ادبیات رایج دوران عثمانی «تحفه» بوده است. این واژه در عناوین کتب بسیاری در این دوران به کار رفته است.^{۵۳} یکی از این‌ها نسخه قدیمی از خاطرات معمار سنان، یعنی *تحفه المعمارین* (هدیه معماران) است. هدیه در ذهنیت آن دوران تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی و توصیه بزرگان دینی جایگاه ویژه‌ای داشته است. در سوره نمل به هدایایی اشاره شده است که از طرف ملکه سبا به حضرت سلیمان (ع) با اهداف سیاسی فرستاده شد و به همین دلیل حضرت سلیمان آن‌ها را رد کرد و بازگرداند. حضرت پیامبر (ص)، با اشاره به سودمندی هدیه دادن در ایجاد عشق و دوستی و از میان برداشتن خوی‌های منفی چون حسادت، به این امر تشویق کرده است و پس دادن هدیه از نظر او مذموم بوده است.^{۵۴} بر اساس همین ذهنیت و در نظام طبقاتی عثمانی، هدیه دادن و هدیه گرفتن باعث ایجاد و یا تقویت همبستگی بین گروه‌ها و افراد مختلف می‌شده است و به طور کلی به یکپارچگی بخش‌های مختلف جامعه می‌افزوده است. در چنین بستری و همچنین با توجه به نظام قدرت حاکم، معمار سنان از محمدآقا می‌خواهد به سلطان هدیه بدهد؛ زیرا هدیه دادن لازمه منصب گرفتن در نظام دربار عثمانی بوده است. معمار محمدآقا به توصیه معمار سنان، رحل قرآنی را، که خود ساخته بود، به سلطان مراد سوم هدیه می‌کند. او همچنین به سلطان سلیم دوم کماندانی هدیه می‌کند. مشخص نیست که این هدیه به توصیه چه کسی بوده است؛ اما واسطه انتقال آن آقای باب سعادت بوده است. می‌دانیم که در ذهنیت عمومی قرون ۱۶ و ۱۷ عثمانی قرآن کریم یکی از مقبول‌ترین هدایا بوده است. هدیه معمار هم رحلی است که با صنعتگری او زیبایی ظاهری یافته است و علاوه بر یک هدیه، ابزاری برای کسب ثواب اخروی هم بوده است. درواقع آن هدیه یک نشانه معنوی است. هدیه کماندان به سلیم دوم جنبه معنوی قابل قیاسی با رحل نداشته است؛ این هدایا درواقع همانند قصیده‌ای بوده که شاعران در مدح پادشاه می‌سرودند و

53. A. Bardakoğlu, "Hediye", pp. 150-154.

54. Ibid.

55. H. Yavuz, "Hadimu'l-Haremeyn", p. 27.

56. Necipoğlu, *ibid.*, p. 30.

57. M.S. Küçükbaşçı, *Cahiliye'den Emeviler'in Sonuna Kadar Haremeyn, İslam Tarih Sanat ve Kültürünü Araştırma*, pp. 38-41.

58. M. Uzun, "Kâbe", p. 23; Ö. Karadağlı, *Gubârî Abdurrahman ve Ka'benâmesi*, p. 27.

زمین و نماد و نشانهٔ دین و مانند آن آمده است. افتخار معنوی و قدرت سیاسی منشأ گرفته از صفات خادم الحرمین و حامی الحرمین، با فعالیت‌های ساختمانی پادشاهان عثمانی و مرمت و تعمیر بناهای مقدس در مکه و مدینه پیوند خورده بود. پادشاهان عثمانی هم در ادامهٔ این روند با تعمیرات کعبه به طور ویژه سروکار داشتند. سلیمان قانونی و سلیم دوم تعمیرات مهمی انجام داده بودند. سلطان مراد سوم هم به تأسی از پدرانش در پی تعمیر و مرمت حرمین توسط معمار سنان بوده است؛ اما این تعمیرات ممکن نشده است. منشأ توجه ویژه به کعبه با اعتقادات معنوی مرتبط با این بنا در ذهنیت حاکم دوران مرتبط است. درواقع این ذهنیت در پادشاه و معمار و بسیاری از مردم آن دوران حاکم بوده است. حامی و خادم کعبه بودن به پادشاه و همچنین معمار او اعتبار و بزرگی می‌بخشیده است. صفت خادم حرمین شریفین که از صفات مهم پادشاه بوده است، برای معمار هم به کار رفته است. درواقع معمار هم به خدمت حرمین مشغول بوده است و هم به خدمت به خادم حرمین. چنین موقعیتی تنها از طریق مفهوم کعبه نصیب او شده است. مشروعیت معمار از طریق تعمیر و مرمت کعبه، که توسط پادشاه منظور گردیده بود، به شدت تقویت می‌شد و سبب ارتقای موقعیت سیاسی و معنوی او می‌گشت.

۳.۳.۳. مفهوم قدیم

عمل کردن بر اساس (روش) قدیم، یکی از شناخته‌شده‌ترین و معمول‌ترین مفاهیم رایج در ذهنیت سیاسی و اقتصادی عثمانی بوده است. این مفهوم ذهنی در اسناد بسیاری از حکومت عثمانی و در زمینه‌های مختلف آن دوران به چشم می‌خورد. در متن تذکره از خداوند با عنوان صانع قدیم یاد شده است و اشاره شده که معمار در پی آن بوده است که روش و سنت قدیم را ادامه دهد. در ذهنیت آن دوران، نیازی به انجام کارها به غیر از شیوهٔ معمول و رایج به‌جای‌مانده از قدیم نبوده است و تنها در

صورت اجبار به روشی غیر از نظام رایج عمل می‌شده است. این مفهوم درواقع به معنای عمل کردن بر اساس قانون، شیوه، و عادت از قدیم به جای مانده و ادامهٔ آن بوده است. چنین مفهوم ذهنی‌ای همان‌طور که در شیوه‌های رایج مدیریت و حکومت به کار می‌رفت، در زمینه‌های مختلف صنعت هم حاکم بوده است و حتی شیوه‌های ساخت هم بر اساس این ذهنیت در برابر تغییر مقاومت می‌کرده است. به طور نمونه، در اسناد مالی مناطق، شهرها، و روستاهایی که در اثر کشورگشایی به محدودهٔ عثمانی اضافه می‌شد، عبارت «مانند گذشته ادامه یابد» به کار رفته است. درواقع در ذهنیت آن دوران، طلب چندانی برای آفرینش شیوه‌ها و تکنیک‌های جدید وجود نداشته است و گاه به طور مشخصی از آن دوری می‌شده است و حتی تولید اموال با تکنیک و ابزاری متفاوت که به ارزانی آن می‌انجامید، از نظر قالب ذهنی رایج، مطلوب و شایسته نبود.^{۵۹} در معماری هم شیوهٔ ساخت بنا از همان ذهنیت پیروی می‌کرده است. نظام پیمایش زمین، قوانین مالکیت، شیوهٔ ساخت، سازمان اجرای بنا، و مانند آن هم در برابر تغییر مقاومت می‌کرده است. معماران دورهٔ کلاسیک عثمانی و به طور عمومی افراد مرتبط با معماری بر اساس همین ذهنیت عمل کرده‌اند و این ذهنیت بر اساس اراده‌های فردی تغییر نمی‌یافته است.

۴.۳. ذهنیت معنوی معمار سنان

بر اساس متن تذکره‌ها در نگرش و ذهنیت معمار سنان، جناب حق قاضی الحاجات است، یعنی برآورندهٔ احتیاجات و نیازها و خواست‌ها. صانع است، یعنی آفریدگار و صنعتگر و سازنده. پروردگار است، یعنی پرورنده و آموزنده. قادر و جبار است، یعنی صاحب قدرت و جبر. سنان از موضعی متواضعانه خود را موری خاکسار در برابر خداوند می‌داند و دائماً خداوند ملک و منان را حمد و شکر می‌گوید؛ چرا که با وجود آنکه بندهٔ کوچک و ناچیزی بوده است، خداوند خدمت به سلطان سلیمان را نصیب

59. Tanyeli, "Sinan'ı ve Mimarlığını Nasıl Yorumlamalı?", p. 19.

معماری، علاوه بر آشنایی و تسلط بر هندسه که سنان در بخشی از رساله به آن اشاره کرده است، مهارت در نجاری بوده است. او پیش از آنکه قاپوچی و سپس معمار شود، در کسوتی نظامی به همراه لشکر پادشاه به سرزمین‌های مختلف سفر کرد و به قول خودش از «هر کنگره ایوان» و «هر زاویه ویران» چیزی آموخت و توشه‌ای گرفت^{۶۱}. آن گونه که سنان بیان کرده است، ذهنیت و قصد و نیت او از معمار شدن این بوده است که چند مسجد جامع بنا کند و وسیله ساخت چند مراد دنیوی و اخروی شود. البته در ذهنیت رایج آن زمان و نگرش معمار سنان، فعل معماری محدود به ساختن بناهایی چون مساجد جامع نبود و طیف وسیعی از کارها را شامل می‌شد. بخش مهمی از رساله تذکرة البنیان به چگونگی آب‌رسانی به شهر استانبول توسط معمار سنان اختصاص یافته است. در نگرش سنان، انتخاب همکاران او در انجام چنین کارهایی بسیار مهم بوده است؛ چرا که او در بخش‌های مختلف رساله‌اش به برگزیده بودن افراد دخیل در اجرای آثارش اشاره کرده است و آن‌ها را «استادان کارگزار هنجار و عاقل تمام‌عیار و استادان قابل و مردان کارگزار و مفید» خوانده است^{۶۲}.

آن گونه که از محتوای رساله‌ها برمی‌آید، طراحی و اجرا دو مرحله مجزا از فعل معماری بوده‌اند. در دوران پیش از مدرن دست‌کم در کشورهای اسلامی دو مرحله متفاوت طراحی و اجرا وجود داشته است. با این حال تقسیم کارها به صورت دیگری بوده است و عمده کار طراحی و اجرا به عهده کسی بود که معمولاً او را معمار یا مهندس می‌خواندند^{۶۳}. سنان در جاهایی اشاره کرده است که زمانی که پادشاه از او می‌خواهد تا بنایی بسازد، ابتدا آن را رسم کرده و به تأیید پادشاه می‌رساند و سپس روند اجرا آغاز می‌شود^{۶۴}. در واقع به زبان آن روزگار رسم بنا تعیین و مقام بنا تبیین می‌شد و این اولین مرحله کار بود. روند اجرای بناها و آثار سنان پس از تأیید طرح و تعیین موقعیت آن شروع می‌شد. آثار معماری بر اساس این اعتقادات

وی کرده و او را صاحب اعتبار کرده است. او هر زمانی که در تنگنا قرار می‌گرفت و مخالفانش مانع کار او می‌شدند، به خداوند پناه می‌برد و راه حل مشککش را حکمت الهی می‌دانست و توطئه‌های ارباب نفاق را با با قدرت دائمی خداوندی و باری ملک غفار بی‌تأثیر می‌کرد. بر این اساس، همواره به درگاه سبانه و تعالی تضرع می‌کرد و شام و سحر پرسوزوگداز به درگاه جناب قاضی الحاجات مناجات و شکر می‌کرده است. سنان که چنان درجه‌ای از اعتماد و توکل به خداوند دارد، نسبت به پیامبر او هم پر از احساسات نیکو است^{۶۵}؛ چنان که زمانی که به درگاه جناب حق دعا می‌کند، از نام و حرمت پیامبر اعظم یاد می‌کند و همواره به شفاعت او امیدوار است. سنان به سبب رفاه، حضور، پاکی، و آسایش اهل اسلام و سربازان اسلام، کاروان‌سرا، مسجد جامع، مسجد، حمام، و پل‌های فراوانی می‌سازد تا که آقا و گدا، ثروتمند و فقیر همواره از آن بهره‌مند شوند. آرزوی او آفرینش آثار اصیل است که، تا دنیا بریاست، برجا باشد. این آرزو همواره به او قدرت و پویایی داده است. در پشت این آرزو، یاد شدن به خوبی و نیکویی و کسب دعای خیر مردم و کسب رضای خداوند است؛ در ذهنیت او آقا و گدا محتاج دعایند.

۵.۳. ذهنیت معمار سنان به معماری و آثارش

۵.۳.۱. ذهنیت معمار سنان نسبت به پیشه معماری

سنان در رساله تذکرة البنیان شرحی از چگونگی معمار شدن خود را به قلم ساعی بیان کرده است. او که در دوره سلطان سلیم به همراه نوجوانانی دیگر در قیصریه آموزش‌های ابتدایی را دیده بود، در آغاز مسیر معمار شدن خود، از غلامان عجم نجاری آموخته و جدیت و پشتکار خود را در آموزش این پیشه با عنوان اولین گام در زمینه معمار شدن خود توصیف کرده است. گویی در ذهنیت رایج آن زمان نجاری پیشه‌ای بسیار نزدیک و مرتبط با معماری بوده است و این پیشه زمینه‌ای را برای آموختن پیشه معماری فراهم می‌کرده است. لازمه استادی در

60. H. Bolay, *Mimarbaşı Koca Sinan Yaşadığı Çağ ve Eserleri*, pp. 147-152.

۶۱ چلبی، همان، ص ۵۷.

۶۲ همان، ص ۷۹.

۶۳ مهرداد قیومی بیدهندی، «آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله معماریه»، ص ۶۸.

۶۴ ساعی چلبی، ۱۳۹۶، ص ۷۷.

طراحی و اجرا می‌شد. اساس بناها در وقت شریف و ساعت منیف ریخته می‌شد و بنا در وقتی مبارک و ساعتی سعد و لطیف از زمین بلند می‌شد.^{۶۵} در هنگام اجرای بناهای مختلف ذکرهای گوناگون گفته می‌شد، به طور مثال سنان می‌گوید که در هنگام برپا کردن ستون‌های جامع سلطان سلیمان، همه فریاد الله الله می‌زدند و ذکرهای مختلف می‌گفتند. بر اساس اعتقادات رایج در هنگام شروع فرایند ساخت و در زمان پایان آن قربانی‌ها می‌کردند و به فقرا احسان می‌کردند.^{۶۶} علاوه بر این که سنان سرمعمار فردی عارف و مذهبی بوده و بخشی از انگیزه او و دیگر همکارانش معنوی و اخروی بود و اصولاً نگاه به معماری و نگاه معمار به دنیا نگاهی عارفانه بود و معمار آگاه و مقید به منشأ و ماهیت پیشه مقدس بود، معنویت و تقدس در مراحل ساخت آثار معماری به آثار پیوند می‌خورد.

۳.۵.۲. ذهنیت معمار سنان نسبت به هدف و غایت آثار
از محتوای رساله‌های *تذکرة البنیان* و *تذکرة الابنیه* چنین برمی‌آید که مقصود و هدف اصلی سنان و همچنین حامیان و بانیان آثار معماری او دعای خیر مردم روزگار بوده است. نیت دعای خیر و خدمت به مردم تقریباً در همه ساخته‌های سنان ذکر شده است. پل‌هایی که به مقصود آسانی در عبور و مرور مردم ساخته شد و چاه‌های آبی که برای تأمین آب مورد نیاز خلق تدارک دیده می‌شد و مساجد جامع به منظور عبادت خلق و مانند آن‌ها، همه به این مقصود بنا می‌شدند. با این حال سنان در قلب خود آرزوی بزرگی داشت که گویی هدف غایی او از عمرش و انجام پیشه معماری بود. او درباره مسجد جامع سلطان سلیم در ادرنه می‌گوید:

و یکی از چیزهایی که خلق جهان آن را خارج از دایره امکان می‌دانستند، این بود که مانند گنبد ایاصوفیه، گنبد بزرگی در دولت اسلامی بنا نشده است و معماران کفار فجار می‌گفتند که بر مسلمانان غلبه داریم، و بر زعم فاسد می‌گفتند: بنا کردن

آن اندازه گنبدی که روم ساخت، در غایت دشواری است و اگر نظیرش ممکن بود می‌ساختند و این سخنان در قلب حقیر عقده شده بود. در بنای جامع مزبور همت کردم و بعون الله ملک دیان در دولت سلطان سلیم‌خان اظهار قدرت کرده و این گنبد عالی را که شش زراع در قد و چهار زراع در محیط از گنبد ایاصوفیه بزرگ‌تر است، ساختم.^{۶۷}

درواقع سنان در این عبارت انگیزه خود را از خلق شاهکارش به روشنی بیان می‌کند و آن کسب اعتبار برای جامعه مسلمانان در آفرینش بنایی در رقابت با ایاصوفیه است. عقده‌ای که در قلب سنان برای سال‌ها باقی ماند و در نهایت به آفرینش اثری ماندگار منجر شد.

۳.۵.۳. ذهنیت معمار سنان نسبت به آثار معماری؛ رقابت و چالش با معماری گذشته

مقدمه مختصر *تحفة المعماریین* درباره احکام معماری، پایه‌های بنا، و استحکام بخشیدن به زمین ساخت بنا چشم‌اندازی به ذهنیت سنان نسبت به آثار معماری گذشته و ملاحظات معمارانه و زیبایی‌شناسانه او می‌گشاید. او با مطرح کردن فروریختن گنبد ناپایدار معمار ایاصوفیه، رقابتی بین مساجد یادمانی گنبددار خود و ایاصوفیه مطرح کرده است و با وجود اینکه ایاصوفیه را در جهان بی‌همتا خوانده، با یادآوری کردن فروریختن گنبد آن به مخاطبان‌ش، به طور غیر مستقیم ساخته‌ها خود را ستوده است.^{۶۸} درواقع توانایی سازه‌ای او بیشتر نتیجه آموزش او در مقام یک مهندس نظامی بود که همراه با ملاحظات زیبایی‌شناسانه‌اش به نتایج مطلوب زمان و خلق آثار ماندگار انجامید. بنا بر این مسئله‌ای که سنان با آن مواجه بود، ساختن یک زبان معماری جدید بر پایه یک طرح اولیه و ابتدایی موجود نبود؛ بلکه بازنگری انتقادی، ویرایش، و نوسازی شکلی از معماری بود که خطوط اصلی آن قبلاً و تا اواخر قرن ۱۵ سامان‌دهی شده بود. به طور مثال آن‌گونه که خود سنان می‌گوید، مسجد شهزاده

۶۵ همان، ص ۶۲

۶۶ همان، ص ۷۷

۶۷ همان، ص ۱۰۵

68. Necipoğlu, "Challenging the Past: Sinan and the Competitive Discourse of Early Modern Islamic Architecture", pp. 173-174.

هرچند معمار به قلم خود این متون را نوشته است، با این حال نویسنده آن منتخب وی بوده است و سنان بر نوشتار او نظارت دقیق و مستمر داشته است. متون تذکره‌ها در حکم مناقب‌نامه‌ای برای معمار بوده‌اند. معمار سنان در مقام سرمعماران هم در نظام دیوان‌سالارانه عثمانی و هم در میان اهل صنعت جایگاه والایی داشته است و نگارش مناقب برای وی از این روست. سنان برای شاگردان و مریدانش جایگاهی همانند اولیایی داشته است که برایشان مناقب نوشته می‌شد. علاوه بر خاستگاه و شکل نگارش متون تذکره‌ها، محتوای آن‌ها هم راهی برای شناخت ذهنیت سنان است. یکی از جلوه‌های این موضوع در شرح جایگاه و موقعیت اداری، نظامی، و سیاسی معمار و دیگری ارتباط وی با افراد و اشخاص مختلف است. معمارباشی در نظام عثمانی تا دست یافتن به این مقام باید مراحل و مقامات متعددی را تجربه می‌کرد. از این طریق ذهن او برای این جایگاه شکل می‌گرفت و شأن و منزلت خود را در نظام رایج به‌خوبی فهم می‌کرد. در ذهنیت معمار سنان مقامات اداری، نظامی، و دیوانی او در یک سو و مقام او در صنعت و معماری در سویی دیگر، زمینه رشد او را فراهم می‌کرد و هیچ‌کدام بر دیگری اولویت نداشت. در ذهنیت رایج آن زمان فردی مانند سنان تا زمانی که به مقام معمارباشی می‌رسید و شخصیت مستقلی به این مناسبت می‌یافت، یک افسر نظامی بوده است که کار طرح و ساخت بناهایی را هم انجام می‌داده است.

در ذهنیت معمار سنان کار معماری با دو دسته از افراد مرتبط و در هم تنیده بوده است. دسته اول که می‌توان آن‌ها را به طور کلی اولیا نامید، اعم از پیامبران و خلفا و شیوخ و... که درواقع پیرهای حرف مختلف مرتبط با معماری و حامیان معنوی وی بودند و سنان در تذکره‌ها به آن‌ها متوسل شده و از ایشان رخصت طلبیده است و دسته دوم حامیان سیاسی و هنری او و افراد قدرتمند و ثروتمند دربار که در راس آن‌ها شخص سلطان قرار داشته است. کار معماری با نظام حمایت

تلاشی برای پالایش سبکی برگرفته از ایاصوفیه، در مساجد اولیه امپراطوری عثمانی بود و اگر مسجد شهزاده که به یاد شهزاده فقید سلطان سلیمان برپا شد، پاسخی برازنده به روند توسعه مساجد امپراتوری بود که از ایاصوفیه الهام یافته بودند، سلیمیه پاسخی مستقیم به چالش شاهکار باقی‌مانده از زمان یوستینین بود. مشابه شاعران معاصری که اشتیاق رقابت با شعرای پیش از خود را داشتند که عبور از آن‌ها براساس نظر منتقدان غیر ممکن بود، سنان هم مهارت‌های خود را با چالش کشیدن آثار معماری محک می‌زند که متخصصان زمان آن‌ها را بی‌نظیر و تقلیدنشدنی می‌دانستند. سنان در تذکره *النبیان* و در جایی مقابل معماران غیر مسلمانی که ادعا می‌کردند که بنای گنبدی برابر با گنبد ایاصوفیه ممکن نیست، به گنبد سلیمیه اشاره کرده و آن را «نظیر» ایاصوفیه می‌داند^{۶۹}. گنبد سلیمانیه نظیری برای ایاصوفیه و یا پاسخی قدرتمند به چالش ایاصوفیه بود^{۷۰} اما این اثر بنا بر ادعای سنان از تقلید صرف فراتر می‌رود و خود گنبدی می‌شود که مانند آن در زمین ساخته نشده است. سنان از تاریخ معماری و آثار معماری گذشته به‌خوبی آگاه است. با این حال آثارش تقلیدی از آثار گذشته نیست؛ بلکه پلی مابین گذشته و حال است. در متون زندگی‌نامه سنان خودش عامدانه انحراف خودش از مدل‌های قدیمی را پررنگ و فاصله و تفاوت کارهایش با آثار گذشته را نمایان می‌کند تا اصالت کارهای خود را نشان دهد. در ذهنیت سنان رقابتی دوسویه بین آثار خودش و آثار گذشته هست که به نقد و چالش وی با آن‌ها می‌انجامد.

۴. نتایج

متون رسالات *تذکره النبیان* و *تذکره الانبیه* از معدود متون تاریخی در جهان اسلام است که به طور مشخصی به معمار و معماری او پرداخته است. این متون که درواقع خاطرات معمار سنان، معمار بزرگ دوران عثمانی، هستند، می‌توانند بخش‌هایی از ذهنیت پشت آفرینش آثار معماری این دوران را آشکار کنند.

رایج است، از دیگر مفاهیم ذهنی سنان بوده است. بر اساس این مفهوم معمار باید بر اساس گذشته عمل می‌کرده است و نیاز و علاقه‌ای به نوآوری‌های بی‌مورد و بدعت‌های جدید نبوده است. سنان اعتقادات عمیق دینی و معنوی داشته است و سایه این اعتقادات در همه مراحل کاری و زندگی و بر متن رساله احساس می‌شود. سنان هدف نهایی خود را کسب دعای خیر مردم و رستگاری دنیا و آخرت دانسته است. متون رساله نشان می‌دهد که در عین دوام اصول رایج از قدیم، در ذهنیت سنان رقابتی همیشگی با آثار گذشته بوده است و او همواره در پی آن بوده است که گنبدی بسازد، بزرگ‌تر از ایاصوفیه که در چارچوب‌های ذهنیت آن دوران بنایی افسانه‌ای بود.

رایج پیش می‌رفته و حامیان و بانیان نقش بسیار پررنگی در آفرینش آثار داشته‌اند. علاوه بر این افراد، مفاهیم هم‌بخش مهمی از ذهنیت سنان را می‌ساختند. مفهومی چون هدیه یا تحفه چیزی مرتبط با صنعت و شاید معنویت بود که معمار به حامی بزرگش هدیه می‌داده است و این کار مسیرهایی را برای پیشرفت وی می‌گشوده است. در ذهنیت معمار، کعبه نه در شاکله یک بنا، بلکه به منزله یک مفهوم نشانه‌ای بسیار مقدس، اولین بنای روی زمین، مقدس‌ترین نقطه آن، و الگوی نهایی و اعلائی آفرینش آثاری چون مساجد جامع بوده است. در نگرش او امکان اینکه فرصت مرمت و تعمیر آثار مدینه و مکه و بخصوص کعبه را بیابد از بزرگ‌ترین افتخارات و بالاترین اهداف بوده است. مفهوم قدیم و عمل کردن بر اساس آنچه از قدیم

منابع و مأخذ

قیومی بیدهندی، مهرداد. «آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله معماریه»، در صفحه، ش ۴۲ (بهار و تابستان ۱۳۸۵)، ص ۶۴-۸۵.

ندیمی، هادی. «آیین جوانمردان و طریقت معماران»، در کلک دوست، ده مقاله در هنر و معماری، زیر نظر وحید قاسمی، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶.

نصرآبادی، میرزا محمدطاهر. تذکره نصرآبادی، با تصحیح وحید دستگردی، تهران: چاپخانه ارمان، ۱۳۶۱.

افشار، ایرج. «مقدماتی درباره تاریخ معماری ایران بر اساس متون فارسی»، در *رواق*، ش ۱ (۱۳۷۷)، ص ۴۱-۴۵.

افندی، جعفر. *رساله معماریه*، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: شرکت توسعه فرهنگی، ۱۳۷۵.

بیهقی، ابوالفضل. *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی‌اکبر فیاض. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۳.

چلبی، ساعی مصطفی. *تذکره البنیان و تذکره الابنیه*، ترجمه مهدی سلطانی، تهران: مؤسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن، ۱۳۹۶.

Affandi, Jafar. *Resale-ye memariye*, Translated by Mehrdad Qayyoomi, Tehran: Cultural development co, 1996.

Almaz, H. *Şükruallah b. Şihâbeddîn Ahmed b. Zeyneddîn Zekî, Behcetü't-Tevârîh (Inceleme-Metin-Tercüme)*, PhD Thesis, Ankara Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Doğu Dilleri ve Edebiyatları (Fars Dili ve Edebiyatı) Anabilim Dalı, 2004.

Bardakoğlu, A. "Hediye", in *TDVİA*, 17 (1998), pp. 150-154.

Bolay, Hayri. *Mimarbaşı Koca Sinan Yaşadığı Çağ ve Eserleri*,

Istanbul: Vakıfler Genel Mudurlugu, 1988.

Çelebi, Sai Mustafa. *Yapılar Kitabı: Tezkiretu'l-bunyan ve tezkiretu'l-ebniye: Mimar Sinan anıları*, Istanbul K.Kitaplığı, 2003.

Fleischer, C.H. *Tarihçi Mustafa Âli: Bir Osmanlı Aydın ve Bürokrati*, Istanbul: Tarih Vakfı Yurt Yay, 2001.

Inan, Afet. *Mimar Koca Sinan*, Ankara: Emlak Bankası Yayilari, 1968.

- Karadağlı, Ö. *Gubârî Abdurrahman ve Ka'benâme'si*, University of Cumhuriyet, Institute of Social Sciences, Master Thesis, Sivas, 1999.
- Konyali, İbrahim Hakki. *Fatih'in mimarlarının Azadlı Sinan (Sinan Atik) Vagifleri, Asarleri, Hayati, Mazari*, İstanbul, 1953.
- Küçükbaşçı, M.S. *Cahiliye'den Emeviler'in Sonuna Kadar Haremeyn, İslam Tarih Sanat ve Kültürünü Araştırma*, İstanbul: Vakfi-İSAR Yay, 2003.
- Kutluer, İ. *İslâm'ın Klasik Çağında Felsefe Tasavvuru*, İstanbul: İz Yay, 2001.
- Meric, Refki Melul. *Mimar Sinan, Hayati, Asari I, Mimar Sinan'in Hayatında, Eserlerine Dayır Matinler*, Ankara: TTK Yayınları, 1969.
- Necipoglu, G. "Challenging the Past: Sinan and the Competitive Discourse of Early Modern Islamic Architecture", in *Muqarnas*, 10 (1993), pp. 169-180.
- _____. *The Age of Sinan: Architectural Culture in the Ottoman Empire*, London: Reaktion Books Ltd, 2005.
- _____. *Preface: Sources, Themes, and Cultural Implications of Sinan's Autobiographies, Sinan's Autobiographies: A Critical Edition of Five Sixteenth Century Texts*, H. Crane ve E. Akın (Eds). Ve Çev., Brill Publ., Leiden, VII-XVI, 2006.
- Ocak, A. *Kultur Tarihi Kaynagi Olarak Menakibnameler: Metodolojik Bir Yaklasim*, Ankara: Turk Tarih Kurumi Yay, 1997.
- Pakalin, M. Zeki. *Osmanli Tarih Deyimleri ve Sozlugu*, İstanbul: MEB Devlet Kitaplari, 1983.
- Piterberg, G. *Osmanli Trajedisi: Tarih- Yziminin Tarihle Oyunu*, Traslated by U. Abaci, İstanbul: Litaretur Yay, 2005.
- Sahin, H. *Menakibname*, İstanbul: TDVIA, 2004.
- Şeşen, Ramazan. *Mimar Sinan ile İlgili Yazmalar*, İstanbul: Turkiye Is Bankasi Yayinlari, 1988.
- Tanyeli, U. "Sinan'ı ve Mimarlığını Nasıl Yorumlamalı?", in *Ege Mimarlık*, 66 (2008), pp. 16-21.
- _____. *Mimarlığın Aktörleri: Türkiye 1900-2000*, İstanbul: Garanti Galeriyay, 2007.
- Uludağ, S. *Tasavvuf Terimleri Sözlüğü*, İstanbul: Kbalcı Yay, 2002.
- Yavuz, H. "Hadimu'l-Haremeyn", in *TDVIA*, 15 (1997), pp. 26-27.
- Uzun, M. "Kâbe", in *TDVIA (Religious Foundation of Turkey Encyclopedia of Islam)*, 2001, c. 24, pp. 23-26.
- Yerasimos, S. "15.-16. Yüzyıl Osmanlı Mimarları: Bir Prosopografya Denemesi", in *Afife Batur'a Armağan Mimarlık ve Sanat Tarihi Yazıları*, İstanbul: Literatür Yayınları, 2005.

